

## نمره - ۲۱۱

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۰ آوریل)  
از طهران، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹  
[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

## تبریز

رجوع به تلگراف امروز من. تلگراف ذیل از جنرال قنسل انگلیس مقیم تبریز  
رسیده:  
«امروز طلوع صبح ملیون به محل صمد خان حمله بردند. نتیجه آن مجهول است  
ولی احتمال کلی دارد که خالی از اهمیت باشد.  
دیروز ستارخان تقصیر سوء قصد نسبت به قنسلگریها را به عهده باقرخان وارد  
نموده و اظهار داشت که من هیچ دخالتی در آن نداشتم.»

## نمره - ۲۱۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹  
[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]  
در باب پیشنهادات برای تقویت و محافظت اتباع خارجه در تبریز که در تلگراف  
۱۹ شهر جاری شما اشعار شده هراقدامی را که دولت روس برای محافظت اتباع  
خارجه از تهاجم یا برای تهیه آذوقه بجهت آنها اعمال بنمایند ما با کمال صمیمیت  
تصویب می نماییم. اقدام سریع لازم است. این مسئله را محتاج به ذکر نمی دانم که بر  
دولت انگلیس همچو مفهوم است که این نوع اقدامات منحصرأ برای حفظ جان اتباع  
خارجه مقیمین تبریز اعمال می شود و هیچ اقدامی در تأیید و مساعدت هیچکدام از  
طرفین مخاصمین نخواهد شد.

## نمره - ۲۱۳

تلگراف سرادوارد گری به سرنیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹  
[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]  
من با پیشنهاد مذکوره در تلگراف بیستم آوریل شما موافقت دارم که نظر به شش  
روز اجازه ورود آذوقه به شهر و متارکه جنگ اولی آن است که تجهیز قشون روس  
به تبریز به تعویق بیفتد تا کسب اطمینانی از نتیجه اظهارات مشترکه ما بشود. بهر

صورت در عرض این مدت مهلت اینقدر وقت خواهد بود که اگر اظهارات ما نتیجه‌ای نبخشد قشون اعزام بگردد.

## نمره - ۲۱۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

## تبریز

اقدامی را که در طی تلگراف بیستم آوریل خودتان را پورت داده‌اید تصویب می‌نمایم.

رجوع به تلگراف ۱۶ آوریل شما، من با دولت روس مشغول مذاکره هستم و اکنون باید به هر دو قنصل اختیار داده شود که لدی‌الاقضاء وساطت خود را تکلیف بنمایند.

## نمره - ۲۱۵

تلگراف سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹

[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف دیروز از طهران در باب تبریز

نظر به اعطاء نمودن شاه شش روز متارکه جنگ و اجازه دخول آذوقه به تبریز، مسیو ایسولسکی به من اطلاع می‌دهد که به قشون روس امر شده که از سرحد تجاوز ننمایند.

## نمره - ۲۱۶

تلگراف سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹

[یکم اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

## تبریز

دولت روس قشون خود را در جلفا حاضر نگاه خواهند داشت تا ببینند که از متارکه جنگ چه اثری در تبریز حاصل خواهد شد و پس از انقضای مدت متارکه چه تغییری محتمل است در وقایع روی بدهد.

امروز در ضمن صحبت با مسیو ایسولسکی جناب معزی‌الیه نظر به بقای ناامنی طرق داشتند و يك اشاره‌ای در باب اعزام يك دسته کوچکی قزاق به تبریز برای بدرقه نمودن اشخاصی که ممکن است مایل به خروج از شهر باشند نمودند.

### نمره - ۲۱۷

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل) از طهران، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹ [یکم اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

قشون روس برای محافظت اتباع خارجه در تبریز رجوع به تلگرافات جنابعالی به بنده و به سرنیکلسن که هر دو مورخه ۲۰ شهر حال بودند:

اگر از اظهارات کلی ما و اقدامات دو جنرال قنسول نتیجه‌ای که دلالت به صلح بنماید حاصل نشود باز اتباع خارجه در خطر خواهند بود. علی‌هذا به اعتقاد من قشون روس باید در جلفا حاضر باشند که در هر آن بتوانند حرکت بنمایند. قشون چریک شاه هم ممکن است از حکم و اختیار عین‌الدوله خارج بشود و آنوقت يك استعدادی برای همراه بودن با آذوقه‌ای که از جلفا می‌آید لازم خواهد بود.

### نمره - ۲۱۸

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل) از طهران، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹ [یکم اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف دیروز جنابعالی در باب وساطت بین شاه و ملیون در تبریز: تلگراف ذیل را به جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز مخابره نموده‌ام: «رجوع به تلگراف ۱۵ آوریل شما وزیر امور خارجه دولت فخمیه به من دستور داده‌اند که به شما اجازه بدهم چنانچه مقتضیات وقت موجود بشود به اتفاق همکار روسی خودتان برای مساعدت در مذاکرات صلح بین طرفین مخاصمتین حسن‌طلب بنمایید.

«اگر ملیون ضمانت بخواهند همینقدر برای شما کافی خواهد بود که به آنها اطلاع بدهید که دولتین انگلیس و روس به شاه اصرار دارند که طریقه اصلاحاتی را که کاملاً حکومت مستبده سابقه را خاتمه خواهد داد اختیار بنمایند.»

## نمره - ۲۱۹

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹  
[یکم اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

## تبریز

در جواب تلگراف بیستم شهر جاری شما اگر شاه صلاح اندیشی ما را رد بنماید برای هرائتفاع اتفاقی که بواسطه مداخلت دولت روس در تبریز برای نجات اتباع خارجه ممکن است متوجه مرام ملیون بگردد آن اعلیحضرت بکلی مورد ملامت خواهد بود و من تصور می کنم يك همچه نتیجه ای برای اخطار به اعلیحضرت معظم فایده بسیاری داشته باشد. از طرف دیگر اگر آن اعلیحضرت صلاح اندیشی ما را قبول بنماید در خصوص ترتیب شرایط برای شهر چندان اشکالی باقی نخواهد ماند.

## نمره - ۲۲۰

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل)

از طهران، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹  
[یکم اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

## اظهارات کلی به شاه

چون موقع بار یافتن امروز به حضور شاه بواسطه کسالت مزاج آن اعلیحضرت به عهده تعویق افتاد ما برای شرفیابی فردا اصرار داریم.

## نمره - ۲۲۱

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۱ آوریل)

از طهران، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹  
[یکم اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

## تبریز

تلگراف ذیل مورخه ۲۰ آوریل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز رسیده: ما فوراً قرارداد مذاکره در تلگراف دیروز شما را به انجمن تبلیغ نموده و تقاضا نمودیم که از مفاد آن ستارخان رامطلع بدارند و معزیه الیه بمحض استماع این خبر فرمان به متارکه شلیک داد. آنها از ما تمنا نمودند که تشکرات فائقه صمیمی آنها را به سفارتین تبلیغ بنماییم.

من و همکار روسیم شرحی به عین‌الدوله نوشته و با زحمت بسیار انجمن را هم متقاعد نمودیم که همین اقدام را بنمایند. ما به نواب معظم‌له اطلاع دادیم که انجمن متارکه جنگ را قبول نموده و وعده رعایت آن را داده‌اند. يك نفر نماینده جنرال قنسولگری روس و ویس قنسول انگلیس که حامل مراسله ما به‌اردم بودند در آنجا خواهند ماند که قرار جزئیات مسئله را داده و در امورات نظارت داشته باشند. ما نیز از عین‌الدوله خواهش نمودیم که فوراً اقدام در ارسال آذوقه بنمایند. آیا می‌توانید اصرار بنمایید که از طهران به عین‌الدوله تأکید بشود که قدری آذوقه از ذخایر خودش برای ما بفرستد؟ چون اگر این اقدام نشود بیم آن را دارم که دوسه روز طول بکشد تا آذوقه تحصیل بشود. ما امیدواریم فردا ستارخان را ملاقات نموده و به‌توسط او آنچه را که بتوانیم انجام دهیم.

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

نمره - ۲۲۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

اظهارات کلی به شاه

امروز صبح اعلیحضرت شاه با نهایت دقت اظهارات کلی را که من و همکار روسیم برای آن اعلیحضرت شرح دادیم اصفاء فرمودند. اعلیحضرت شاه بظاهر متأثر می‌نمودند و اگر چه هیچ داخل در مذاکره نشدند ولی اظهاریت از دریافت اظهارات ما فرمودند و وعده دادند به‌رزودی که ممکن بشود يك جوابی به‌توسط وزیر امور خارجه به ما بدهند. در جواب اصرار ما برای تعیین موعده، آن اعلیحضرت فقط توانستند به ما اطمینان بدهند که بدون تأخیر جواب خواهند داد. ما یادداشتی در موضوع اظهارات مزبور به آن اعلیحضرت تقدیم داشتیم.

نمره - ۲۲۳

تلگراف سرنیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از سن پترز بورغ، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

قنسول روس مقیم تبریز به وزیر امور خارجه تلگراف کرده است که هیچ دستورالعملی در باب متارکه جنگ به عین‌الدوله نرسیده ولی او راضی شده است که راه با سمنج را برای ورود آذوقه مفتوح بدارد. مسیو ایسولسکی از علناً ایفام نمودن

شاه به وعده خود و این عمل آن اعلیحضرت که برای تفکر در اظهارات سرچارچ بارکلی و مسیو سبیلین [= سابلین] مدت خواسته اند متغیر است. جناب معظم له متوحش است که اوضاع در تبریز مجدداً اهمیت حاصل نماید و عقیده آنجناب بر این است که برای اطمینان داشتن از صحت ورود آذوقه و محافظت اتباع خارجه در صورت غفلتاً خطرناک شدن وضع بهتر آن است که قشون روس از جلفا حرکت نموده و از سرحد بگذرند.

## نمره - ۲۲۴

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

چون تا دیروز بعد از ظهر هنوز تعلیمات به عین الدوله نرسیده بود ما تقاضا نموده ایم که سی و شش ساعت دیگر به مدت متارکه جنگ افزوده بشود.

## نمره - ۲۲۵

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

من به جنرال قنسل انگلیس اجازه داده ام که اگر نماینده هایی که بنا بود دیروز انتخاب بشوند از او تقاضا بنمایند به معیت همکار روسی خودشان باتفاق آنها بروند. قنسلوها تصور می کنند که ستارخان که دیروز با آنها ملاقات نموده اظهارات مناسب و معقول را خواهد پذیرفت.

## نمره - ۲۲۶

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

## دخول آذوقه به تبریز

رجوع به تلگراف ۱۹ آوریل سرنیکلسن و تلگراف ۲۱ آوریل بنده هر دو جنرال

قنسولها مقیمین تبریز به عین الدوله اظهار داشته اند که نظر به احتمال خارج شدن عنان اختیار قشون چریک رحیم خان از دست و باین واسطه یحتمل مانع از حمل آذوقه از طریق جلفا شدن یک عده کافی قشون به اتفاق آذوقه ای که از جلفا حمل می شود حرکت خواهند کرد که در مقابل هر مخالفتی که ممکن است اعمال بشود صحت عبور آذوقه را مأمون بدارند مگر اینکه سایر طرقی که به تبریز می آید مفتوح شود.

من تقاضا نموده ام که در این موضوع اوامر مستقیمه به رحیم خان بشود و اقدام جنرال قنسول انگلیس را هم تصویب کرده ام.

## نمره - ۲۲۷

تلگراف سرچارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

رجوع به تلگراف امروز خودم

در ضمن شرفیابی امروز صبح من و همکار روسیم تقاضا نمودیم که مدت متارکه جنگ ممتد بشود و از تأخیر بسیاری که آن اعلیحضرت در صدور احکام به سرکردگان خود برای ورود آذوقه به شهر مرعی داشته اند شکایت کردیم.

اعلیحضرت شاه به ما اطمینان دادند که تا حال تعلیمات قطعی در این باب داده شده. اما در خصوص امتداد مدت متارکه جنگ، باوجود اصرار ما، اعلیحضرت معظم امتناع نموده و از ما تقاضا نمودند که بلحاظ اظهارات کلی که ما در شرف عنوان نمودن آن هستیم این مسئله را به عهده تعویق بگذاریم.

همینکه نتیجه مذاکرات صلح در تبریز و اثر اظهارات کلی ما معلوم شد اگر لازم بشود ما باز با آن اعلیحضرت اصرار خواهیم نمود.

## نمره - ۲۲۸

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس به من رسیده:

«ما الان از احکام ملیون استماع نمودیم که قشون چریک صمد خان محل مهم ملیون

در خطیب را تصرف نموده‌اند. این خیلی اهمیت دارد چون به عقیده من چندان قدرت مقاومتی برای محصورین باقی نمی‌ماند.»

### نمره - ۲۲۹

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

#### تبریز

جنرال قنسول انگلیس به من اطلاع می‌دهد که هنوز هیچ مقدار از آذوقه موعود به شهر فرستاده نشده. مشارالیه نیز اشعار داشته که به عقیده هردو قنسول باید مراقبت بنمایند که آذوقه تحصیل بشود و حالا که آنها ملیون را تعقیب نموده‌اند که محض این دو شرط دست از جنگ بکشند باید مواظبت بنمایند که شرط‌متارکه جنگ اکیداً منظور و معمول بگردد. او و همکار روسیش توافق رأی دارند که قوافل از جلفا که به هر صورت زودتر از یک هفته دیگر وارد خواهند شد باید در تحت حراست قزاق بعزم تبریز حرکت نمایند که قزاقها راه را هم مفتوح نگاهدارند.

### نمره - ۲۳۰

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۲۲ آوریل)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

#### تبریز

تلگراف ذیل را من به جنرال قنسول انگلیس مخابره نموده‌ام:  
«من و همکار روسیم برای عمل صمدخان پرتست سختی نموده‌ایم: چون در شرفیابی امروز صبح مقصود ما عرضه اظهارات بطور کلی بود ما به آن شدتی که باید برای امتداد مدت متارکه جنگ اصرار نمودیم ولی اگر لازم بشود تا منتهی درجه قدرت خودمان در این باب فشار خواهیم آورد.  
اگر شما تصور بکنید که مدت شش روز اینقدر کافی نخواهد بود که بتوان مقدار لازمه آذوقه را تهیه نمود شما نباید بگذارید که لزوم مدت طولانی‌تری در موعود محدوده متارکه جنگ اخلاص نماید.

چقدر آذوقه را برای صرف ۶ روز مناسب می‌دانید که تقاضا بشود؟

مشکل ما بتوانیم همچو انتظاری از عین‌الدوله داشته باشیم که از ذخایر خود بکاهد.



اقوی امیددی که ما می توانیم داشته باشیم این است که هر نوع تقویتی شما برای تحصیل آذوقه بخواهید ما در حق شما اعمال بداریم.»

### نمره - ۲۳۱

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

### اوضاع تبریز

رجوع به تلگراف دیروز بنده

وزیر امور خارجه دولت روس به من اطلاع داده که به دسته قشون روس امر شده که از جلفا به تبریز بروند. بموجب تلگرافی که از قنسول روس رسیده وضع تبریز بیش از هر وقت تهدید می کند و به این جهت دولت روس تصور می کند که دیگر نباید هیچ تردیدی از طرف دولت اعمال بشود.

### نمره - ۲۳۲

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

قشونی که به تبریز اعزام خواهد شد از این قرار مترتب گردیده: چهار اسکادران ۲۶ قزاق - سه باطالیون ۲۷ سرباز - دو باطری ۲۸ توپخانه و یک دسته سرباز مهندس که همه به قدم صلح حرکت خواهند نمود.

چون باید برای حفظ راه دستجات گماشته شود لهذا تجهیز قشون قلیل تری متضمن خطر خواهد بود. به فرمانده قشون تعلیمات داده شده که نه به وظایف حکومتی دخل و تصرف بنماید و نه در مجادله بین طرفین مخاصمتین مداخله بکند.

همینکه امورات خاتمه پذیرفت این قشون اعاده داده خواهد شد. برای قشون غیر مقدور است که به اندازه کفایت تمام تبریز آذوقه همراه ببرند ولی آنها جاده را مفتوح نگاه خواهند داشت که آذوقه وارد بشود. دولت روس توضیحات در باب لزوم تجهیز قشون و غیره را بطریق متحدالماال به دول اعلام خواهد داشت.

۲۶ اسکادران = سوار نظام - اسواران - واحد سوار نظام برابر با تالیون پیاده نظام

۲۷ با تالیون = گردان نظامی - قسمتی از هنگ پیاده یا توپخانه

۲۸ باتری = واحد توپخانه - آتشبار - م.

## نمره - ۲۳۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

در تعقیب تلگراف بلافاصله ماقبل خودم. با وجودی که شاه اظهار داشتند که احکام به فرمانده کل و سایر سرکردگان صادر شده است هیچ اقدام برای تسهیل دخول آذوقه نشده و شرط متارکه جنگ هم رعایت نگردیده.

خواه این مربوط به تمرد و عدم اطاعت سرکردگان باشد خواه به بدقولی در باغ شاه، من تأکید می‌نمایم که به کارگزاران و مأمورین در جلفا تعلیمات داده بشود که يك استعداد کاملی همراه آذوقه بفرستند. همکار روسی من هم در باب اعزام استعداد به اتفاق آذوقه تأکید نموده است.

الحال نمی‌توان آذوقه را قبل از انقضای مدت شش روز معهوده به تبریز رسانید ولی برای تجدید آن اصرار خواهیم نمود و بعد از آنکه سرکردگان شاه‌پرست از شرط متارکه جنگ تخلفی نموده‌اند يك مقدار آذوقه در شش روز باید با رضایت یا بی‌رضایت شاه داخل بشود.

## نمره - ۲۳۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

از قرار معلوم امیر بهادر جنگ، وزیر جنگ به رئیس گمرکات اظهار داشته است که اگر دویست هزار تومان فوراً به قشون پرداخته نشود دولت ایران دیگر نمی‌تواند از رفتار قشون در پایتخت جلوگیری بنماید.

## نمره - ۲۳۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

بنحوی که در تلگراف ۲۲ آوریل خودم راپورت داده‌ام دیروز محله خطیب واقعاً تصرف نشده. الحال قشون شاه‌پرستان از حوالی آن محل خارج شده‌اند.

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل) - ۲۳۶ نمره -  
 از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹ [۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

از راپورتهای جنرال قنسول انگلیس همچو مستفاد می شود که قشون شاه پرستان  
 بمپیچوجه قصد ندارند که بگذارند آذوقه داخل تبریز بشود و مبنای متارکه جنگ گویا  
 موهوم است.

## نمره - ۲۳۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)  
 از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹ [۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

چون عین الدوله اسباب تسهیل ورود آذوقه به شهر را برای دو قنسولها فراهم  
 نموده لهذا آنها هم نماینده های خود را از باسمنج احضار نموده اند. ما به آنها  
 تعلیمات دادیم که علت این اقدام را به نواب معظم له اطلاع بدهند. ما متذکر  
 شدیم که در این باره هیچ اقدامی ننمایند و در صورت لزوم با ما مشورت نمایند.

## نمره - ۲۳۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)  
 از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹ [۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

بنا به تعیین وقت امروز بعد از ظهر من و همکار روسیم در سفارت روس با وزیر  
 امور خارجه که رافع ۲۹ پیغامی از طرف شاه بود ملاقات نمودیم. ما به او اطلاع دادیم که مایلیم در باب اشخاصی که به عقیده ما محل وثوق و  
 اعتماد هستند و برای عضویت در کابینه و مجلس مشاوره لایقند به او ارائه طریق  
 بنماییم.

اعلیحضرت شاه تقاضای یک مبلغ قرضی نموده بود که بیش از صد هزار لیره  
 باشد. ما جواب دادیم که ما بخوبی از احتیاجی که به یک استقرار واقعی هست

آگاهیم. يك همچہ استقراضی را ما در حقیقت در اظهارات خودمان که قبل از این عرضه شده پیش‌بینی نموده‌ایم ولی وقتی که مجلس شورای ملی منعقد گردید و يك وزارت مالیه اصلاح شده‌ای مرتباً بکار افتاد ما منتها درجه جد و جهد خودمان را در سرعت اقدام به مساعدت پولی که در اظهارنامه ما مسطور است اعمال خواهیم نمود.

## نمره - ۲۳۹

تلگراف سر چارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۳ آوریل)

از طهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم تبریز به من رسیده:  
«جنرال قنسول روس اظهار می‌دارد که رأی قطعی به اعزام قشون روس به تبریز  
علاقه گرفته.

چون خبر تجهیز قشون روس باید لزوماً قبل از ورودشان به اینجا معلوم بگردد ما تصور می‌کنیم مقرون به‌حزم خواهد بود که برای جلوگیری از مخاطرات ممکنه متعاقب آن خود ما از این بابت ملیون را مستحضر بداریم. بعلاوه ما استدعا می‌نماییم به‌ما اجازه داده بشود که اطمینانهای ذیل را به آنها بدهیم:

قشون مزبور برای این به تبریز می‌آید که اتباع خارجه و ایرانیان را از قشون شاه محفوظ داشته و راه را مفتوح بدارند. قشون شاه را نگذارند داخل شهر بشوند و به هیچکس از هر قومی که باشد برای داخل بودن در وقایع جدیده صدمه و تعرضی وارد نمایند و اقامت قشون فقط تا وقتی خواهد بود که بین شاه و ملتش صلح جاری بگردد.

برای اینکه مردم مقدماتاً بفهمند که وضعیت و روش ما از چه قرار خواهد بود ما به آنها اطلاع داده‌ایم که ما عین‌الدوله را تهدید نموده‌ایم که به‌قوة قهریه راه را مفتوح خواهیم کرد.

من اقدام مستر راتیسلا را تصویب نموده و با همکار روسی خودم متفقاً اختیاراتی را که قنسولها در خواست نموده بودند به آنها داده‌ایم.

## نمره - ۲۴۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر نیکلسن

از وزارت خارجه، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## رجوع به تلگراف امروز شما

حالا که از قرار معلوم ما نمی‌توانیم مطمئن باشیم که قشون شاه‌پرستان در خارج تبریز رعایت هیچ شرطی را بنمایند خواه این مربوط به سوء اعمال آنها باشد خواه مربوط به صادر ننمودن شاه احکام بطی [بتی؟ = قطعی] کافی، و حالا که شاه در دادن جواب رضایت‌بخشی به اظهارات ما تأخیر نموده تنها روشی را که بتوان اختیار نمود و متضمن تأمین باشد همان روشی است که مسیو ایسولسکی توصیه نموده و در تلگراف سابق‌الذکر شما مسطور بود.

اگر بواسطه تخطی نمودن قشون شاه از شرایطی که بتوسط نماینده‌های ما به ملیون تبریز وعده شده اهالی تبریز قرین یأس و حرمان بشوند دست انتقام خود را به اتباع و قنسولگریهای ما دراز خواهند نمود. لازم است که دولت روس در مقابل این خطر توجه و حراست بنمایند. به هر صورت ظاهراً مصلحت در این است که يك اشعارنامه مستند مستحکمی صادر بشود مبنی براینکه هر مداخله‌ای که از طرف هر يك از دولتین در هر نقطه ایران اعمال بشود بکلی عمل موقتی است و از مقصودی که از قبیل نقطه نظر کنونی در تبریز باشد که باعث لزوم اقدامات ما در بوشهر شده و بهمچنین باعث اعمال احتیاطی دولت روس در سایر نقاط گردیده تجاوز نخواهد نمود. گمان می‌کنم از طرف مسیو ایسولسکی مخالفتی در صدور يك همچو بیان‌نامه‌ای نباشد.

## نمره - ۲۴۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ آوریل)

از طهران، ۲۴ آوریل ۱۹۰۹

[۴ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

تلگراف ذیل دیشب از جنرال قنسول انگلیس رسیده:

«صاحب‌منصبان شاه‌پرست در اجازه دخول آذوقه به شهر سخت مخالفت داشته و در صدد مخایره تلگراف متمردهای در این موضوع به شاه برآمدند. لیکن بواسطه دایر نبودن خط تلگراف این مسئله انجام‌پذیر نشد. ظاهراً عین‌الدوله بالشخصه برای دادن این اجازه حاضر بود و بعد هم بواسطه تهدید ما در باب قهراً مفتوح نمودن راه جلفا خیلی مشوش شده بود.

علی‌الظاهر این تهدید اثری هم به صاحب‌منصبان نموده.

مراتب فوق را من از يك راپورتی که نماینده‌های ما از باسمنج داده‌اند کسب

نموده‌ام.»

## نمره - ۲۴۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۴ آوریل)

از طهران، ۲۴ آوریل ۱۹۰۹

[۴ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

امروز من خلاصه راپورت‌های واصله از جنرال قنسول انگلیس در بساب روش مخالفانه سرکردگان شاه‌پرست در مسئله آذوقه برای تبریز را بجهت وزیر امور خارجه قرائت نمودم.

آن جناب جواب دادند که بی‌شبهه امیر جنگ احکام به‌صاحب منصبان جزء فرستاده و به‌این واسطه این مشکلات پیش آمده. دیگر جناب معظم له به‌من گفتند که از تشکیک در نفرستاده شدن، تعلیمات موعود به سرکردگان شاه بسیار مکدر شده و اظهار نمود که آن اعلیحضرت تعلیمات داده‌اند.

## نمره - ۲۴۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ آوریل)

از طهران، ۲۵ آوریل ۱۹۰۹

[۵ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس رسیده:

«بعضی از اعضاء انجمن ایالتی دیشب به تلگرافخانه رفتند به امید اینکه طرح قراردادی با شاه بنمایند و امروز صبح هم مجدداً به تلگرافخانه رفته‌اند.»

## نمره - ۲۴۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ آوریل)

از طهران، ۲۵ آوریل ۱۹۰۹

[۵ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۲ - ۱۳۲۷]

نظر به تأخیر در اعزام قشون به تبریز من و همکار روسیم برای شش روز امتداد مدت متارکه جنگ اصرار داریم.

## نمره - ۲۴۵

تلگراف سر چارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۵ آوریل) ۱۹۰۹  
[۵ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۴ ع ۲ - ۱۳۲۷]

آذوقه برای تبریز

تلگراف ذیل را من و جنرال قنسول انگلیس مخبره نموده ایم: «الان وزیر امور خارجه به من نوشته است که بنا به استدعای انجمن تبریز اعلیحضرت شاه به تمام سرکردگان خودش تعلیمات تلگرافی داده است که وسایل تسهیل به آزادی داخل شدن آذوقه به شهر را بدون تحدید مقدار یا مدت فراهم نمایند. ضمناً به متارکه کامل جنگ هم امر شده.»

## نمره - ۲۴۶

مکتوب سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ آوریل) ۱۹۰۹  
از سن پترزبورغ، ۲۱ آوریل ۱۹۰۹  
[یکم اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار ترجمه اشعارنامه‌ای را که امروز صبح در روزنامه رسمی راجع به اوضاع تبریز و تعلیماتی که به جانشین قفقاز برای حاضر بودن در اعزام یک عده قشون روس به آن شهر طبع شده لفا ارسال می‌دارم. امضا نیکلسن

## ملفوفه در نمره ۲۴۶

قسمتی از جریده «افیشیال مسنجر» ۲۱ آوریل ۱۹۰۹  
[یکم اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۳۰ ع ۱ - ۱۳۲۷]

بموجب اطلاعی که از جنرال قنسول روس مقیم تبریز به اداره تلگرافی رسیده اهالی آن شهر که بواسطه جوع قرین یأس و حرمان گردیده‌اند در تحت سرکردگی مجاهدین تصمیم عزم نموده‌اند که برای تحصیل نان محله آرامنه را که قنسولگری روس و انگلیس هم در آنجا واقعند غارت بنمایند.

مؤسسين این تهییج ظاهراً چنین تصور می‌کنند که به این وسیله و بلکه تا حد وافی بواسطه مقتول نمودن یکی از قنسولها مداخله روس اعمال خواهد شد و باعث تأخیر تسلیم تبریز به قشون شاه شده و برای انقلابیون ممکن خواهد بود که خود را پنهان

بدارند.

نظر به این ترتیب اوضاع دولت روس به نمایندۀ طهران خودشان تعلیمات دادند که از شاه تقاضای قطعی بنماید که امر بنمایند فوراً مقدار کافی آذوقه برای احتیاجات قنسولگریها و ادارات و اتباع خارجه و بهمچنین برای اهالی بی طرف شهر داخل تبریز بشود. بعلاوه به شارژ دافر روس دستورالعمل داده شد که به دولت ایران اطلاع بدهد که اگر در انجام این تقاضا قصور برود دولت روس مجبور خواهد شد که برای افتتاح راه دخول آذوقه به تبریز و حراست اماکن و اتباع روس و خارجه به قوه قهریه اقدامات سریع قطعی بنماید.

بیست و چهار ساعت قبل اخبار جدید تهدیدآمیز در باب مجاری امور در آن شهر از جنرال قنسول روس مقیم تبریز رسیده من جمله خبر تصمیم عزم اهالی قحطی زده و فداییان که در آتیۀ نزدیکی به قنسولگریهای روس و انگلیس حمله ببرند. همین قسم اطلاعات هم به دولت انگلیس رسیده دولت مشارالیهها از طرف خود صلاحیت اعزام را به تبریز برای تقویت به اتباع خارجه ای که بخواهند از شهر بیرون بروند به دولت اعلیحضرت امپراطوری اعلام داشت.

نظر به مراتب فوق و حسب الامر اعلیحضرت امپراطور به جانشین قفقاز تعلیمات داده شد که فوراً يك عده کافی قشون به تبریز اعزام دارند که اماکن و اتباع روس و خارجه را حفظ نموده و ترتیب حمل آذوقه برای آنها داده و رابطات بین تبریز و جلفا را هم مأمون و برقرار بدارند.

به لحاظ اطلاع واصله که بواسطه حکم شاه برای شش روز متارکه جنگ و دخول آذوقه در شهر محصور فعلاً آرامی و سکون در تبریز احاطه دارد به جانشین قفقاز امر شد که گذشتن قشون از سرحد به عزم تبریز را معوق بدارد تا تعلیمات ثانوی داده بشود ولی به هر صورت اقدامات در تدارک آن را موقوف ندارد که در صورت وقوع اختلال دیگری حاضر باشند.

### نمره - ۲۴۷

مکتوب سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

آقا

دیروز مسیو ایسولسکی به من اظهار داشت که اخباراتی که از تبریز رسیده رضایت بخش نیست. عین الدوله گفته است که حکمی در باب متارکه جنگ به او نرسیده لیکن بعد از قدری مذاکرات راضی شده که اجازه افتتاح يك راه برای حمل آذوقه را بدهد. عقیده نواب معظم له براین بوده که چون خط تلگراف از باسمنج به طهران دایر نبوده محتمل است به این واسطه تعلیمات در باب متارکه جنگ از طهران به او نرسیده



باشد. عقیده مسیو ایسولسکی این است که به این حرف عین الدوله نمی‌توان چندان اعتماد و وثوقی قرار داد و شاید برای تأمین عبور آذوقه مشکلاتی روی بدهد. بعلاوه، شاه به نمایندگان دولتین اطلاع داده است که در باب پیشنهاداتی که در خصوص تأسیس مشروطه و غیره به او تقدیم شده باید اعماق نظر بنماید. وضع تبریز محتمل است هر آن مجدداً خطرناک بشود و او در صدد است با وزیر مالیه و وزیر جنگ و سپهسالار مشورت بنماید که آیا با این مقتضیات مقرون به حزم و احتیاط نیست که به قشون روس امر بشود به تبریز بروند؟ این اقدام آزادانه عبور نمودن آذوقه را تأمین خواهد نمود و نیز ممکن است يك اثری هم به شاه بنماید که در تسریع جواب مساعدی به اظهارات نمایندگان دولتین بکوشد.

دیشب آخر شب مراسله‌ای از مسیو ایسولسکی به من رسید مبنی بر اینکه خط تلگراف بین باسمنج و طهران خراب نبوده و جنرال قنسول روس تلگراف نموده که اوضاع بیش از هر وقت تهدید می‌کند. نظر به مقتضیات فوق دولت روس تصور می‌کند که دیگر نمی‌توان تردید داشت و احکام صادر شده که قشون از جلفا حرکت داده شود.

امضا نیکلسن

### نمره - ۲۴۸

تلگراف مسیو ایسولسکی به کنت بنکندورف (که در ۲۶ آوریل بتوسط کنت بنکندورف تبلیغ شده)

از سن پترزبورگ، ۲۳ آوریل ۱۹۰۹

[۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

بموجب راپورتهای جدیدی که از جنرال قنسول روس مقیم تبریز رسیده قحطی که در آن شهر بروز نموده قنسولگریها و اتباع خارجه و روس را دچار مخاطرات مهمه می‌نماید.

علی‌هذا به شارژ دافر روس مقیم طهران تعلیمات داده شد که به شاه اظهار بدارد که اگر اقدام فوری در تهیه آذوقه لازمه برای قنسولگریها و اتباع خارجه و اهالی خارج از جنگ شهر بعمل نیاید يك دسته قشون از جلفا تجهیز خواهد شد که قنسولگریها و اتباع خارجه مقیمین تبریز را محفوظ داشته و ورود مقدار کافی آذوقه به شهر را تأمین نماید.

با وجود وعده شاه برای صدور احکام لازمه به شاهزاده عین الدوله فرمانده مزبور اجازه حمل آذوقه به شهر را نداده و وضع قنسولگریها و اتباع خارجه کماکان به تنزل باقی است.

لهذا دولت اعلیحضرت امپراطوری مجبور شد که متوسل به اقداماتی که به شاه خاطر نشان شده بود بگردد و اکنون قشون روس از جلفا به عزم تبریز حرکت خواهند نمود.

مقاصد تجمیز این قشون محدود بمراتب فوق‌الذکر است. قشون اعلیحضرت امپراطوری برای تأمین کامل و حراست جان و مال اتباع و قنسولگریهای روس و سایر دول خارجه فقط تا مدتی که لازم باشد در خاک ایران اقامت خواهند نمود. لطف نموده شرح فوق را به اطلاع دولت انگلیس برسانید.

### نمره - ۲۴۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ آوریل) از طهران، ۲۶ آوریل ۱۹۰۹  
[۶ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۵ - ع ۲ - ۱۳۲۷]

### تبریز

رجوع به تلگراف بلافصل ماقبل خودم. تلگراف ذیل مورخه دیروز از جنرال قنسول انگلیس رسیده:

«انجمن ایالتی نماینده‌ای با سواد تلگرافات شاه که برای تبلیغ به‌عین‌الدوله و به‌هریک از سرکردگان شخصاً مخایره شده بود نزد ما فرستادند. تلگرافات مزبور مبنی بر اوامر برای افتتاح تمام طرق و حتی القوه بکار بردن مساعی خود را در تسمهیل دخول آذوقه و در مکان کنونی خود ماندن و بکلی جنگ را متارکه داشتن تا اوامر ثانوی برسد بود. انجمن مزبور از ما خواهش نموده‌اند که تا وقتی که معلوم بشود احکام شاه اطاعت شده یا خیر قشون روس پیشتر نیایند.

ما تصور می‌کنیم اولی آنست که قشون روس معطل نشوند تا به مسافت دست‌رس به تبریز برسند ولی به ما اختیار داده بشود که اظهار بداریم که فقط بنا به مقتضیات و لزوم استثنائی آنها وارد شهر خواهند شد.

به این طریق احتمال کلی دارد که تأمین اتباع خارجه در تحت اطمینان بیاید و اصلاح بین شاه و ملت خودش برطبق اظهارات شما امکان پذیر شود.»

هر دو قنسولها احتمال دارد در تصویب خودشان در تجمیز قشون روس برای مصالح تأمین خارجه‌ها [خارجی‌ها] محق باشند بعلاوه اعزام قشون روس بی‌شبهه شاه را متمایل خواهد نمود که به صلاح اندیشی ما بطریق مساعدتری گوش بدهد.

چنانچه دولتین موافقت بنمایند ما به جنرال قنسولهای خودمان اجازه خواهیم داد که به نحویکه ارائه طریق نموده‌اند اظهار بدارند و ضمناً ما مراسله مشترکی در همین موضوع به دولت ایران خواهیم نوشت.

من تصور می‌کنم چنین مصلحت باشد که برای مشهود داشتن یگانگی کامل دولتین در اعلان این مسئله من باهمکار روس خودم شرکت بنمایم.

## نمره - ۲۵۰

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۶ آوریل)  
از طهران، ۲۶ آوریل ۱۹۰۹  
[۶ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۵ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

تلگراف ذیل مورخه ۲۵ آوریل از جنرال قنسول انگلیس به من رسیده:  
«چون ممکن است همان وضع در عرض چند روزی بسهولت تجدید بشود و نظر به  
دلایلی که در تلگراف بلافصل ماقبل بنده پیشنهاد شده من به ارائه این طریق مبادرت  
می جویم که معطل نمودن قشون صلاح نخواهد بود.  
وجد و شعف کاملی که وزیر خارجه ذکر می کند در نتیجه امتیازات مرحمتی شاه  
حاصل شده متضمن قدری اغراق است. بهر صورت تا نتیجه ای در تعقیب امتیازات  
مزبور بروز ننماید این وجد مشهود نخواهد گشت و اهالی هنوز این را مشکوک تصور  
می کنند. مردم هرساعت وضعیت خود را تغییر می دهند. من نمی توانم به نظریات آنها  
پی ببرم یا بگویم آمال حقیقی آنها چیست.

## نمره - ۲۵۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی  
از وزارت خارجه، ۲۶ آوریل ۱۹۰۹  
[۶ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۵ ع ۲ - ۱۳۲۷]

رجوع به تلگراف ۲۶ شهر جاری شما اگر دولت روس هم به شارژ دافر خود همین  
نوع تعلیمات داده باشند به جنرال قنسول انگلیس ممکن است اجازه داده بشود که باتفاق  
کفیل جنرال قنسولگری روس اظهاری را که پیشنهاد شده بنمایند.  
شما اجازه دارید برای نوشتن مراسله ای در همین موضوع به دولت ایران با شارژ  
دافر روس اتفاق بنمایید.

## نمره - ۲۵۲

مکتوب سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)  
از سن پترزبورغ، ۲۴ آوریل ۱۹۰۹  
[۴ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۳ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## آقا

خبر تزايد اختلاف واهمیت موقع که از تبریز به مسیو ایسولسکی رسید دولت روس

رای قطعی خود را بر این قرار دادند که بدون فوت وقت امر بکنند که قشونی که در جلفا حاضر نگاهداشته شده بود فوراً جلو بروند. واضح بود که اگر بیشتر تأخیر می‌رفت مخاطرات مهمه روی می‌نمود گرچه دولت روس در توسل به اقدامات عملی بی‌میل بودند ولی وضع امور هیچ چاره‌ای برای آنها باقی نگذارد مگر اینکه برای حصول تأمین هیئت اروپاییان در تبریز اقدامات بنمایند. این اردو مرکب است از سه باطالیون سرباز و چهار اسکادرون قزاق و دو باطری توپخانه و یک دسته مهندس. عده افراد فوج به میزان هنگام صلح است. عقیده قنسول روس مقیم تبریز بر این بود که یک دسته دو بیست نفری قزاق برای حراست حمل آذوقه کافی خواهد بود ولی مأمورین دولت روس را اعتقاد بر این بود و منم در صحت آن مبادرتاً تصدیق دارم که این اردو باید به حد کفایت قوی باشند که در صورت هر مقاومتی بتوانند غلبه حاصل نمایند. بعلاوه لازم خواهد بود که در فاصله‌های معینه قراول گذارده بشود که جاده را مفتوح نگاه بدارند و بطوریکه عده آنها بیش از اندازه‌ای که حتماً لازم خواهد بود نباشد. مسیو ایسولسکی به من اطلاع داد که این اردو به اندازه ممکنه آذوقه همراه خود خواهند برد چون البته برای آنها غیر مقدور است آن مقدار آذوقه‌ای که رفع احتیاج تمام اهالی تبریز را بنماید تهیه نموده و همراه ببرند. مع هذا همینکه یک دفعه جاده مفتوح گردید محتمل است مقدارهای آذوقه متعاقب آن در جریان باشد. احکامی که به صاحب‌منصب فرمانده اردو داده شده از این قرارند که از مداخله در اختلافات بین طرفین مخاصمتین در تبریز احتراز بنماید و بهیچ وجه وظایف اداره حکومتی را به عهده نگیرد. اولاً باید محافظت لازمه از قنسولگریها و ادارات خارجه و تمام اتباع خارجه مقیمین در آن شهر بنماید. وقتی که اوضاع به حالت عادی عودت کرد و دیگر خوف مخاطره‌ای برای اتباع خارجه باقی نماند قشون عودت داده خواهد شد.

یک لایحه رسمی مبنی به دلایل تجمیز قشون در اینجا توزیع شده و متحدالمال تلگرافی به همان مفاد هم به دول مخابره شده.

امضا نیکلسن

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

نمره - ۲۵۳

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

[۷ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

رجوع به تلگرافات سر جارج بارکللی به جنابعالی و تلگراف جنابعالی به او، همه مورخین ۲۶ شهر جاری.

وزیر امور خارجه دولت روس به من اطلاع می‌دهد که قشون روس در بیرون تبریز

اردو خواهند زد و داخل شهر نخواهند شد. برای قراولی بانکها و سایر ادارات و برای هر قنسولگری که بخواهند قراول داشته باشند بعضی دستجات کوچک به شهر فرستاده خواهند شد. عقیده مسیو ایسولسکی براین است که مشکل لازم باشد که مراسله مشترکی مبنی به اطلاع از این بابت به دولت ایران نوشته بشود ولی مانعی نمی بیند که هر دو قنسولها به هر کس و به هر نحو که صلاح بدانند اطلاع بدهند.

## نمره - ۲۵۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)

از طهران، ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

[۷ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم مشهد رسیده:

«دسته قشون روس دیروز وارد شدند و رئیس قشون ایرانی با احترامات نظامی آنها را پذیرفت. دسته مزبور مرکب است از ۶ دسته ترکمان در تحت چهار نفر صاحب منصب و سی نفر توپچی و دو دستگاه توپ مسلسل و هفتاد و پنج نفر قزاق.»

## نمره - ۲۵۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)

از طهران، ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

[۷ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

رجوع به تلگراف دیروز من، جنرال قنسول انگلیس از تبریز به من اطلاع می دهد که دیروز ۸ طن [= تن] (مطابق ۲۶ خروار و ۶ من) آرد از باسمنج فرستاده شد. شاه به انجمن ایالتی اصرار نمود که عین الدوله را بپذیرند که نقشه اشغال دائمی روس که بطور حتم منظور است مرتفع بگردد. دو جنرال قنسول شنیده اند که توضیحات خودشان در باب مقصود و موقتی بودن اقدام روس اثرات نیک بخشیده.

شاه عفو عمومی اعطاء نموده و وعده مهمی برای مشروطه ای که مطابق شریعت اسلام باشد داده دستة ملیون پیش آمدن قشون روس را وسایل جلب امتیازات از آن اعلیحضرت قرار داده اند.

من و همکار روسیم استماع نموده ایم که شاه قصد دارد يك پروژه بکلی ناقصی به جای قانون انتخاباتی که تقاضا شده طبع و نشر بنماید. علی هذا ما به آن اعلیحضرت تصریح نموده ایم که يك همچو اقدامی با اجرای پرگرام صلاح اندیشی ما توافق ندارد و بهبودی در اوضاع حاصل نخواهد نمود و مجدداً به اعلیحضرت معظم تأکید نموده ایم

که فوراً قبول داشتن صلاح اندیشی‌ها را اظهار بدارند.

### نمره - ۲۵۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۷ آوریل)

از طهران، ۲۷ آوریل ۱۹۰۹

[۷ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]

تبریز

تلگراف ذیل مورخه امروز از جنرال قنسول انگلیس رسیده:

«دفتر اعانه‌ای برای نجات فقراء در اینجا مفتوح شده.

ظاهراً صمدخان سکنه قراء حوالی را تشویق می‌نماید که آذوقه برسانند و خودش

هم امروز صبح يك مقدارى غله فرستاده است.»

### نمره - ۲۵۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۸ آوریل)

از طهران، ۲۸ آوریل ۱۹۰۹

[۸ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۷ ع ۲ - ۱۳۲۷]

همکار روسی من مراسله‌ای تقدیم نموده و تجهیز قشون روس را اعلام داشته. او مراسله مزبور را به من ارائه داده و مبنی براین است که اگر لازم نشود قشون روس داخل تبریز نخواهند شد و مقصود از اقدام دولت روس و موقتی بودن آن را توضیح نموده.

راجع به بیانات پیشنهادیه در تلگراف ۲۶ آوریل بنده به جنرال قنسول انگلیس اجازه داده‌ام که در موضوع مطلوبه به اتفاق همکار روسی خودش عمل بنماید.

### نمره - ۲۵۸

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۹ آوریل)

از طهران، ۲۹ آوریل ۱۹۰۹

[۹ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۲ - ۱۳۲۷]

اصفهان

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان رسیده:

«صمصام السلطنه شروع به حرکت دادن دستجات کوچک قشون به خارج شهر نموده. دیروز ایلیخانی به من اطلاع داد که باید منتظر وقوع جنگ در حوالی اصفهان بود.» قشون شاه الحال از کاشان به عزم اصفهان حرکت کرده اند. بنابراین برای هر خطر جانی که در صورت وقوع مجادله به اتباع انگلیس وارد بیاید من شاه را مسئول قرار داده ام.

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

نمره - ۲۵۹

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۲۹ آوریل)

از طهران، ۲۹ آوریل ۱۹۰۹

[۹ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۸ ع ۲ - ۱۳۲۷]

شاه و مشروطه

ما کسب اطلاع نموده ایم که شاه در نظر دارند نایب السلطنه عموی خودشان را که یکی از مرتجعین خیلی مشهور است به ریاست وزراء منصوب نمایند. هرکایینه ای که نایب السلطنه جزو آن باشد با تقاضای مندرجه در پرگرام ما مناسبت نخواهد داشت. ما موقع را مغتنم شمردیم که به شاه اطلاع بدهیم که اگر تا دوم مه جوابی از طرف آن اعلیحضرت در باب صلاح اندیشی پیشنهاد به دولتین نرسد نمایندگان دولتین درخواست يك نوبت شرفیابی دیگر را خواهند نمود که از آن اعلیحضرت جواب بگیرند.

نمره - ۲۶۰

تلگراف سر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ آوریل)

از سن پترزبورغ، ۳۰ آوریل ۱۹۰۹

[۱۰ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۲ - ۱۳۲۷]

قشون روس برای تبریز

مسیو چاریکوف به من اطلاع می دهد که پیش قراول قشون روس فعلا در حوالی شهر هستند و از طرف ستارخان نسبت به آنها علائم مستحسنی بروز نموده و در عرض راه هم پذیرایی خوبی از آنها شده.

نمره - ۲۶۱

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ آوریل)

از طهران، ۳۰ آوریل ۱۹۰۹

[۱۰ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

رجوع به تلگراف ۲۷ شهر حال من تلگراف ذیل مورخه ۲۷ شهر جاری از جنرال قنسول انگلیس رسیده:

«انجمن ایالتی دیروز از شاه استدعا نمودند که همان مشروطه سابق را اعاده نمایند و به آن اعلیحضرت اطلاع دادند که ترتیبات پیشنهادیه در باب مطابقت با شریعت اسلام پذیرفته نشدنی است. مذاکرات صلح امروز هم در تلگرافخانه امتداد دارد. بسیاری از اتباع خارجه هنوز در تشویشند و وضع شهر بطریق غیرمرضی باقی است.

آذوقه هنوز خیلی کسر است ولی بتدریج وارد می شود.»

## نمره - ۲۶۲

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ آوریل)

از طهران، ۳۰ آوریل ۱۹۰۹

[۱۰ اردی بهشت ۱۲۸۸، ۹ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

تلگراف ذیل مورخه دیروز از جنرال قنسول انگلیس رسیده.  
«ستارخان امروز صبح برای اظهار تشکرات فائقه از دولت انگلیس به اینجا آمد. مشارالیه از بابت آتیه اطمینان دارد.

آذوقه مرتباً وارد می شود و فردا دکانهای خبازی مجدداً مفتوح خواهند شد. بر روی هم ظاهراً اوضاع رو به تصفیه است اگر چه جوابی از بابت مشروطه هنوز به انجمن داده نشده.»

## نمره - ۲۶۳

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳۰ آوریل)

از طهران، ۳۰ آوریل ۱۹۰۹

[۱۰ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۹ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

تلگراف ذیل از جنرال قنسول انگلیس رسیده:

«قشون شاه پرستان در کار متفرق شدند.

«فردا ترتیب حرکت پست بطریق معمول تجدید خواهد شد.

«دیروز غروب ۱۸۰ نفر سرباز روسی به پل آجی رسیدند و امروز صبح بدون



هیچ تصادفی وارد شهر شدند.»

### نمره - ۲۶۴

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱ مه)

از طهران، ۱ مه ۱۹۰۹

[۱۱ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۱۰ ع ۲ - ۱۳۲۷]

شاه وزیر امور خارجه را منقصل نموده

وزیر مزبور با اظهارات سفارتین موافقت کرده و مقاومت و ثبات کاملی در مقابل نفوذ مرتجع‌های که بر علیه [= علیه] ما بودند مشهود داشته، انفصال او و تعیین نایب‌السلطنه و سایر علائم ظاهر می‌دارد که شاه به لجاجت خود باقی است و این نوع استمراء نمودن سفارتین ما را مجبور نموده که تصمیم در احتراز نمودن از جزئیات را تا وقتی که شاه قبول پرگرام را رسماً اظهار بدارد متروک بداریم.

اگر چه ما بین دولتین موافقت شده بود که برای ترکیب کابینه فقط بطریق خصوصی ارائه طریق بشود ولی ما وظیفه خود دانستیم که بسختی پرتست بنماییم و دیشب ترجمان‌های سفارتین به شاه اطلاع دادند که اگر آن اعلیحضرت سریعاً نایب‌السلطنه را منقصل و سعدالدوله را مجدداً منصوب نمایند نمایندگان به دولتین متبوعتین خود اطلاع خواهند داد که اعلیحضرت معظم صلاح‌اندیشی آنها را رد نموده‌اند. شاه اظهار داشته بودند که پرگرام را قبول دارند ولی در باب انفصال سعدالدوله جد کامل دارند.

عقیده نمایندگان دولتین بر این است که دخول سعدالدوله و ناصرالملک در کابینه را باید وسیله امتحان صمیمیت و موافقت شاه قرار داد و اگر آن اعلیحضرت در قبول سریع آنها موافقت نمایند باید به اعلیحضرت معظم اظهار بشود که دولتین همچو ملاحظه می‌کنند که صلاح‌اندیشی دولتین رد شده. لزوم وجود ناصرالملک برای هر کابینه تجددخواهی از حتمیات است.

ما خیلی بی‌میل بودیم که از روش ارائه طریق خصوصی که مقرر شده بود تخطی بجوییم ولی بواسطه استقامت جدی در این نکته اگر شاه تمکین بنماید ما وسیله و امید بهتری برای اجرای پرگرام خودمان خواهیم داشت. انجام جزئی از پرگرام حتماً مضر است.

### نمره - ۲۶۵

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ مه)

از طهران، ۳ مه ۱۹۰۹

[۱۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۱۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## اصفهان

در جواب مراسله‌ای که من به دولت ایران نوشته و برای هرخطر جانی که بواسطه وقوع مجادله در اصفهان به اتباع انگلیس وارد بیاید شاه را مسؤل قرار داده بودم شاه فرستاده و به من اطلاع دادند که قشون آن اعلیحضرت به کاشان عودت نموده.

## نمره - ۲۶۶

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ مه)

از طهران، ۳ مه ۱۹۰۹

[۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

صمصام السلطنه و سردار اسعد تلگراف مشترکی به تمام سفارت‌های خارجه مخابره کرده و اظهار تشکر برای اقداماتی که در نجات تبریز شده نموده و ضمناً خواهش کرده‌اند که حالا دیگر دول در امورات داخلی آنها مداخله ننمایند. بعد از اظهار انقیاد به شاه آنها اشعار داشته‌اند که آنها و تمام ملیون دیگر در صدد حرکت بطرف پایتخت هستند که آن اعلیحضرت را به ایفای تعهداتی که به ملت خود نموده مجبور بدارند.

## نمره - ۲۶۷

تلگراف سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۳ مه)

از طهران، ۳ مه ۱۹۰۹

[۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## تبریز

شرح ذیل قسمت مختصری از تلگراف مورخه ۲ مه جنرال قنسول انگلیس است: «۲۶۹ نفر از قشون روس در شهرند و فرمانده قشون به من اطلاع داده که او قریب چهار هزار نفر در تحت فرمان خود دارد.»

## نمره - ۲۶۸

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۳ مه ۱۹۰۹

[۱۳ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

بمحض اینکه به شارژ دافر روس تعلیمات برسد که در باب ترکیب کابینه ایران اظهارات مشترکه بنماید شما ممکن است بر طبق پیشنهاد مسطوره در تلگراف غره

شهر حال خودتان که متضمن نظریات دولت روس و خود ماست عمل بنمایید.

### نمره - ۲۶۹

مکتوب سرادوارد گری به سرچارچ بارکلی

از وزارت خارجه، ۳ مه ۱۹۰۹

[۱۳ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۱۲ ع ۲ - ۱۳۲۷]

وزیر مختار ایران امروز به این اداره آمده و تلگرافی را که شاه مخیره نموده بود برای سرهاردینگ قرائت نمود و مبنی بر این بود که سعدالدوله عریضه‌ای به وزیر مختارهای انگلیس و روس نوشته که به مقام وزارت امور خارجه‌ای که تازه از آن منبصل شده برقرار بگردد ولی من امیدوارم که وزیر مختارها در باب معاودت او به این مقام اصرار نخواهند نمود. شاه اشعار داشته بودند که هرکس دیگر را که وزیر امور خارجه انگلیس تصویب بنمایند من حاضریم به وزارت امور خارجه منصوب بدارم.

سرهاردینگ به وزیر مختار مزبور اظهار داشت که در موضوع فوق خبری از طهران به دولت انگلیس رسیده ولی وزیر امور خارجه انگلیس از تعیین نایب السلطنه به صدراعظمی خیلی ناراضی است و اگر شاه بخواهند وضع حاضر را فوراً خاتمه بدهند جلوگیری از اقدامات دیگر نمایندگان دولتین در طهران بنمایند باید عاجلاً صدراعظم و وزیر امور خارجه تعیین بنمایند که هر دو وزیر مختار مقیمین طهران تصویب بکنند. سرهاردینگ نیز اظهار نمود که دولت انگلیس باید اصرار بنماید که کابینه جدید مرکب از اشخاص کافی باشد و بعد از آنچه واقع شده هرکابینه‌ای را که سعدالدوله و ناصرالملک جزو آن نباشد نمی‌توانند کابینه موثق و معتمد محسوب بدارند.

وزیر مختار مزبور گفت که مفاد شرح فوق را در جواب تلگراف شاه مخیره خواهم نمود.

امضاء : ا. گری

### نمره - ۲۷۰

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۴ مه)

از طهران، ۴ مه ۱۹۰۹

[۱۴ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۱۳ ع ۲ - ۱۳۲۷]

کفیل وزارت امور خارجه به من و همکار روسیم رسماً اطلاع داده که شاه صلاح - اندیشی را که ما در ۲۲ آوریل به آن اعلیحضرت تقدیم داشتیم قبول نموده‌اند. شاه میل دارند که جلسه‌ای از نمایندگان دولتین و نماینده‌های آن اعلیحضرت منعقد

بگردد که درباب جزئیات تشریح بعضی نکات آن که اعلیحضرت معظم مایلند توضیحات داده بشود.

### نمره - ۲۷۱

تلگراف سرچارچ بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۵ مه)

از طهران، ۵ مه ۱۹۰۹

[۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۴ ع ۲ - ۱۳۲۷]

شاه دستخطی صادر نموده و اعاده حکومت شوروی را وعده داده. قانون انتخابات بزودی توزیع خواهد شد و موعد انتخابات ۱۹ ژوئیه تعیین شده. مشروطه را در تحت موازین شریعت اسلام و مطابق احتیاجات مملکت شرح داده‌اند.

### نمره - ۲۷۲

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۵ مه)

از طهران، ۵ مه ۱۹۰۹

[۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۴ ع ۲ - ۱۳۲۷]

دویست نفر انقلابیون از رشت با قلیل خونریزی قزوین را تصرف نمودند. فعلاً شهر آرام است.

### نمره - ۲۷۳

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۵ مه)

از طهران، ۵ مه ۱۹۰۹

[۱۵ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۴ ع ۲ - ۱۳۲۷]

من و همکار روسیم درباب رسماً قبول نمودن شاه صلاح‌اندیشی تقدیمی ما را شروع به عملیات نموده‌ایم. الحال ما به کفیل وزارت امور خارجه اصرار داریم که در انعقاد اجلاس منظوره که در آن ما در باب ترکیب کابینه و سایر جزئیات نکاتی که آن اعلیحضرت استعمال نموده باشند توضیحات باید بدهیم تعجیل بنمایند.

### نمره - ۲۷۴

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوارد گری (واصله در ۶ مه)

از طهران، ۶ مه ۱۹۰۹

[۱۶ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۵ ع ۲ - ۱۳۲۷]

## حرکت انقلابیون از رشت

همکار روسی من به قنسول رشت خودش تعلیمات داده که برای انتفاع اصلاح سریع بین شاه و ملتش به سپهدار اصرار بنماید که جلو آمدن در راه رشت به طهران را موقوف بدارند.

شاه امر نموده‌اند که صد نفر قزاق به مقابله انقلابیون که بنا به اعتقادات حالا از قزوین حرکت کرده‌اند اعزام بشود.

## نمره - ۲۷۵

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۷ مه)

از طهران، ۷ مه ۱۹۰۹

[۱۷ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۱۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]

در طی اجلاسی که شاه پیشنهاد نموده و امروز عصر تشکیل می‌یابد ما سعی خواهیم نمود که اعلیحضرت معظم را متقاعد بنماییم که بوسیله اشتهار نامه اعلام بدارند که آن مواد پرگرام را که مشروط به اقدام سریع [است] فوراً به موقع اجراء خواهند گذارد و در سرعت اجرای سایر مواد هم حتی الامکان جد و جهد خواهند نمود.

به هر صورت، من یقین کامل ندارم که ملیون با این اقناع بشوند. صمصام السلطنه که استعدادش قریب ۴،۰۰۰ نفر مسلح و مکمل است در جواب دستخط پنجم مه شاه اظهار داشته که او فقط مشروطه سابق را قبول خواهد نمود. او مجدداً تصمیم خود در حرکت بطرف طهران را اعلان نموده است. می‌گویند خیال ملیون رشت این است که شاه را از سلطنت خلع بنمایند.

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

## نمره - ۲۷۶

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۸ مه)

از طهران، ۷ مه ۱۹۰۹

[۱۷ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۱۶ ع ۲ - ۱۳۲۷]

امروز عصر اجلاس مذکوره در تلگراف امروز بنده تشکیل یافت. ما در جزئیات موادی که خواسته بودند توضیحات دادیم و اصرار نمودیم که ناصرالملک و سعدالدوله باید جزو کابینه بشوند. ضمناً صورت اسامی اشخاصی را که برای کابینه و مجلس مشاوره مناسبند تبلیغ نمودیم.

انفصال نایب السلطنه و امیر جنگ و صدراعظم و خصوصاً نماینده‌های مناسبی که برای اجلاس امروز انتخاب شده بودند متضمن اصلاحات معتنا بهی در وضعیت و روش شاه است. اگر چه البته هنوز من نمی‌توانم قطعاً اظهار بدارم که تاحال بیانات ما چه تأثیری به شاه نموده.

دستخط شاه اثر مطبوعی در اهالی تبریز نموده و ملیون آنجا به صمصام السلطنه تلگراف نموده‌اند که حرکت تهاجمی خود را معوق بدارد. بواسطه پیش آمدن انقلابیون از رشت رعب بسیاری در دربار حادث شده. افواه متفرقه شیوع دارد که صدها از انقلابیون مزبور از قزوین حرکت کرده‌اند. از نواب سفارت روس که به آنجا فرستاده شده بود راپورت می‌دهد که متصل مدد به آنها می‌رسد ولی تا حال فقط معدودی از قزوین تجاوز نموده‌اند.

## نمره - ۲۷۷

تلگراف سرچارچ بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۸ مه)

از طهران، ۸ مه ۱۹۰۹

[۱۸ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۲ - ۱۳۲۷]

همکار روسیم به من اطلاع می‌دهد که صاحب منصب روسی فرمانده قزاقی که در راه قزوین است امروز مراجعت می‌نماید.

من نمی‌توانم اظهار عقیده قطعی در باب قوت و تشکیلات قشون رشت که در حوالی قزوینند بنمایم. اطلاعات روسها مبنی بر اینند که پیش قراول این قشون در کرده است که منزل اول از قزوین به طهران است و عنصر مسلطه این قشون يك دسته قفقازی است که عده آنها دویست نفر است.

www.adabestanekave.com

## نمره - ۲۷۸

مکتوب سر ادوارد گری به سرچارچ بارکلی

از وزارت خارجه، ۸ مه ۱۹۰۹

[۱۸ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ ۱۷ ع ۲ - ۱۳۲۷]

آقا

امروز وزیر مختار ایران به این اداره آمده و تلگرافی را که شاه مخبره نموده بود برای سرهاردینگ قرائت کرد و مبنی بر این بود که دیروز شما به اتفاق شارژ دافر روس در تعیین سعدالدوله به وزارت امور خارجه اصرار نموده‌اید. اعلیحضرت معظم قبل از این به ناصرالملک تلگراف نموده‌اند که مراجعت نموده و مقام صدارت و وزارت مالیه را قبول نماید ولی خواهش دارند که ما در تعیین سعدالدوله به وزارت امور خارجه اصرار ننماییم. سرهاردینگ اظهار داشت که وزیر امور خارجه انگلیس عضویت این دونفر را در کابینه جزو لایتنجز محسوب می‌دارد و به وزیر مختار مزبور صلاح اندیشی نمود که به شاه اطلاع بدهد که عقیده متقن وزیر امور خارجه بر این است که فقط سرعت قبول پرگرام ماممکن است حرکت مستقیم ملیون بطرف طهران را که متضمن خطر معتناهایی برای شخص شاه است منحرف بدارد. امضا

## نمره - ۲۷۹

تلگراف سرجارج بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۹ مه)

از طهران، ۹ مه ۱۹۰۹

[۱۹ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۱۸ ع ۲ - ۱۳۲۷]

وزیر امور خارجه منفصل الان مجدداً به مقام خود منصوب گردیده و به او امر شده است که تشکیل کابینه بنماید. مسوده اعلانی را که او امیدوار است شاه را متقاعد بکند که فردا صادر بنمایند برای من قرائت نمود. اقداماتی که در آن اعلام گردیده با تقاضاهای در پرگرام ما کاملاً موافقت دارد.

## نمره - ۲۸۰

مکتوب سرجارج بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۱۶ آوریل ۱۹۰۹

[۲۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۵ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

با کمال افتخار ذیلا اوضاع اصفهان را شرح می‌دهم:

صمصام السلطنه همه روزه منتظر ورود سردار اسعد است که از قرار راپورت قریب دوهزار سوار بختیاری همراه دارد و از قرار مذکور تصمیم عزم شده که در ۲۱ آوریل بطرف طهران حرکت بنمایند. از قرار مذکور حالا رؤسا باهم متحد شده‌اند و ظاهراً هیچ احتمالی نمی‌رود که قشون شاه در کاشان در مقابل آنها مقاومت بنمایند. عده قشون مزبور تقریباً هزار و پانصد نفر است، من جمله سیصد نفر بختیاری که محتمل است در اولین فرصتی که بدست بیاورند به هم قبیله‌های خود ملحق بشوند. معدودی قشون کمکی هم که در قم هستند بین‌المحدورین‌اند و چند روز قبل يك عده از آنها در تلگرافخانه هند و اروپا متحصن شده و برای نرسیدن حقوق خودشان تعرض نموده و اظهار می‌داشتند که حقوق دوساله آنها نپرداخته شده [پرداخت نشده است]. نظر به این مقتضیات ندرتاً می‌توان انتظار داشت که اگر حرکت بختیاریها صورت صحتی حاصل بنماید این قشونی که جاده بطرف طهران را احاطه دارند در مقابل آنها مقاومت مؤثری بروز بدهند.

ضمناً استقرار نظم کامل در اصفهان ظاهر است لیکن همچو می‌نماید که صمصام السلطنه از روش ملاها که آقا نجفی رئیس آنها است و از عدم موفقیت در تحصیل پول به وسایل مساعدت داوطلبانه برای پرداخت حقوق استعداد خود نسبتاً متأذی شده باشد. بتازگی صدراعظم مجاهدتی نمود که بتوسط سهام السلطنه امورات بین شاه و بختیاریها را صورت اصلاحی بدهد و برای انجام این مقصود پیشنهادی طرح شده بود که حکومت اصفهان به صمصام السلطنه اعطاء بشود ولی معزى الیه با حالت خشم

و تغیر از اصفاء نمودن يك همچہ كوشش مستعجبی برای صلح امتناع نمود. مستعجب مستر گرهم جنرال قنسول تا حال در متقاعد نمودن صمصام السلطنه برای حفظ خط تلگراف کمپانی هند و اروپا که سرکردهٔ مزبور شکایت داشت که بر علیه [ = علیه ] او بکار برده می‌شود موفق شده. معلوم می‌شود وعده‌ای که مستر گرهم به موجب تعلیمات من به او داده است که بعد از اول آوریل عایدات مخابرات داخلی به او پرداخته خواهد شد او را نرم کرده است. برای ایفای به این تعهد در اوایل آوریل يك مبلغ قلیلی (۱۲۳۱ قران) از بابت عایدات مخابرات داخلی در عرض ماه سابق به صمصام السلطنه پرداخته شد و سیمهای کمپانی مزبور فعلا بدون خرابی کار می‌کنند.

راه اصفهان به شیراز به وضع ناامنی رقت‌انگیز است. قریب چهار هفته قبل وکیل کمپانی زیگلر را طایفه لشنی در یزد خواست که چهار منزلی طرف شمال شیراز است لخت نمودند. اشیاء یکی از اعضای انجمن مسیحیون و پست بین ده‌بید و سیوند هم سرقت شده و دو نفر از غلامان ادارهٔ تلگرافی هند و اروپا را در همان محل طوایف عرب جلو بسته و آنها را کتک زده و لخت نموده‌اند. در هشتم آوریل صمصام السلطنه به جنرال قنسول انگلیس مقیم اصفهان اطلاع داد که عشایر در خط جنگند و چند روزی اتباع انگلیس در جاده‌های واقعه در خاک اصفهان مسافرت ننمایند.

صمصام السلطنه نیز اطلاع داده بود که به اتباع خود امر نموده است که در مقابل تهاجم محتملهٔ غارتگران حزم و احتیاط را مرعی بدارند.

مستر گرهم بنا به این اطلاع برای مسافرت نمودن در حوالی اصفهان تا اعلان ثانوی بشود به اتباع انگلیس اخطار کرده است. من به کفیل قنسولگری انگلیس در شیراز دستور داده‌ام که همین نوع اعلانی صادر بنماید و نیز اخطاریهٔ دیگری هم بین اتباع انگلیس در طهران توزیع نمودم.

امضا جارج بارکلی

### نمره - ۲۸۱

مکتوب سر جارج بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۱۹ آوریل ۱۹۰۹

[۳۰ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۸ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

در عرض چهار هفتهٔ ماضی فقط مجادلات جزئی در تبریز واقع شده. در ۲۴ شهر ماضی [۴ فروردین؛ ۲ ع ۱] محصورین حمله‌ای به قشون محاصره‌کنندهٔ شاه‌پرست بردند و ملیون در تصرف يك سنگر موفق شدند ولی پیشرفت دیگری برای آنها میسر نشد چون اکثر قشون آنها در سنگرهای خود ماندند. از قرار مذکور تلفات آنها سی و چهار نفر مقتول و مجروح بوده. در پنجم شهر جاری [۲۵ فروردین؛ ۲۳ ع ۱]



بمباردمان بی‌اثری به شهر شد و در ۱۴ شهر حال [۲۵ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۳ ع ۱ - ۱۳۲۷] هم چند فقره شلیک توپ شده و پاره‌ای مجادلات مختصره هم در همان روز به وقوع پیوسته ولی جنگ قطعی اعمال نشده.

در همین اوقات آذوقه در تبریز شروع به کم شدن نموده و قحطی در کار خودنمایی بود مخصوصاً در بین اشخاص خارج از جنگ. نظر به عسرت منبسطه فقط بایستی منتظر بود که میل افتتاح باب مذاکرات صلح بین بعضی طبقات مردم بروز بنماید و شاه بوسیله قاعده قدیمی تولید اختلاف بین محصورین مساعی خود را در تسلیم شهر بکار ببرد. بعضی نماینده‌ها به اردوی شاه‌پرستان در باسمنج اعزام گردید که از قرار مفهوم نماینده رسمی دسته ملیون نبودند ولی با رضایت آنها رفته بودند. تلگرافات اخیراً من خاطر اولیای دولت اعلیحضرتی را از مفاد این مذاکرات صلح و وضع کلی تبریز مستحضر داشته است.

پیشنهادات انجمن ایالتی که از جنرال قنسولهای انگلیس و روس خواهش شده بود بتوسط سفارت‌های متبوعه خودشان برای قبول آنها به شاه اصرار بنمایند و مبنی به اجازه دخول آذوقه به شهر و انتخاب نماینده برای مذاکره با شاه و سایر شهرها در باب قرارداد کلی بود در موقعی که مهاجمه حوادث مرکز ملیون چندین ماه استقامت نموده برعلیه [ = علیه ] شاه را، مشرف به تسلیم نموده بود، قسمی بود که ندرتاً انتظار مسموع افتادن در محضر آن اعلیحضرت می‌رفت. دو روز قبل شارژدافر عثمانی در باب وضع مایوسانه اتباع خود در آن شهر محصور اشاره کرده و مراسله‌ای به وزیر امور خارجه نوشته بود. مستر راتیسلا در طی تلگراف دیروز خودش در باب شرایط پیشنهادیه انجمن ایالتی راجع به متارکه جنگ اطلاع داده بود که مقدار غله موجوده برای صرف عامه کمتر از آن میزانی است که سابقاً به سمع او رسیده و اظهار داشته بود که احتمال بروز بلوایی که ممکن است متضمن خطر جانی برای اتباع خارجه باشد می‌رود. امروز مستر راتیسلا به من اطلاع داده که امکان مهاجمه به اتباع خارجه جلب حقیقت نموده. نظر به این خبر بسیار مهم امروز من با شارژ دافر روس که متصل در باب اوضاع با او در مذاکره بوده‌ام مشورت نموده و رأی قطعی ما براین قرار گرفت که تقاضای شرفیابی متفق برای فردا به حضور شاه بنماییم و در خصوص لزوم فوری محافظت جانی اتباع خارجه مقیم تبریز که ظاهراً در خطر قریب الوقوعی هستند به آن اعلیحضرت اصرار بنماییم.

الان اطلاع حاصل نمودم که شاه فردا ما را بارخواهند داد و نتیجه این شرفیابی را در تحت مراسله‌ای علیحده مفتخراً به سمع عالی خواهم رسانید.

امضا ج. بارکلی

## نمره - ۲۸۲

مکتوب سرچارج بارکلی به سرادوار گری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۲۰ آوریل ۱۹۰۹

[۳۱ فروردین ۱۲۸۸؛ ۲۹ ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا، لازم نمی‌دانم در باب شرح مذاکرات عدیده‌ای که در خصوص تغییرات بحرانی که تازگی در اوضاع تبریز واقع شده با همکار روسیم نموده‌ام خاطر محترم را تصدیق دهم چون تلگرافات بنده و مستر راتیسلا جنرال قنصل‌خاطر محترم را کاملاً از مجاری امور آگاه داشته.

چنانچه در تلگراف امروز خودم راپورت داده‌ام دیشب آخر شب رأی قطعی ما علاقه گرفت که نظر به فوریت مسئله درخواست شرفیابی متفق روز بعد را از شاه بنماییم به جهت اینکه در باب لزوم متارکه جنگ و اجازه دخول آذوقه برای جلوگیری از مهاجمه تهدید به قنسولگریهای ما و اتباع خارجه مقیم تبریز به اعلیحضرت معظم اصرار بنماییم.

امروز صبح بین ساعت ۱۱ و ۱۲ تشریف حاصل شد. پس از بجا آوردن مراسم ادب و استفسار از صحت اعلیحضرت شاه، بلافاصله من شروع به قرائت بیان‌نامه‌ای که سواد آن را با کمال افتخار لفاً تقدیم می‌دارم نمودم و ترجمه آن را مستر چرچیل و مسیو بارانوسکی که حاضر بودند به عرض شاه می‌رسانیدند.

اعلیحضرت معظم فرمودند که پس از اعماق نظر در این موضوع بتوسط وزیر امور خارجه جواب آن را خواهند داد ولی میل دارند اظهار بدارند که چهار روز قبل به قشون خود که در مقابل تبریز هستند امر فرموده‌اند که جنگ را بکلی متروک بدارند و منتظر مذاکرات صلح که در پیش بود بشوند لیکن متمدین دیشب جنگ را شروع نموده و هنوز هم نائره حرب مشتعل است.

من از جانب همکار روسیم و خودم به اعلیحضرت شاه اطلاع دادم که حق و باطل مجادله در تبریز به ما مدخلیت ندارد.

مسئله بحدی فوری است که مجال بحث باقی نمی‌گذارد. ما با اوضاعی روبرو هستیم که متضمن مخاطرات وخیمه برای قنسولهای ما و اتباع خارجه مقیمین آنجاست. من به آن اعلیحضرت تأکید بلیغ نمودم که امر بفرمایند متارکه جنگ را اعلام داشته و بگذارند آذوقه داخل شهر بشود که به این واسطه خطراتی که تهدید می‌کند رفع بشود. همچو می‌نمود که شاه در وجود داشتن آذوقه در حوالی مشکوکند و مکرر فرمودند که متمدین به قشون من حمله می‌نمایند و استفسار نمودند که آیا سرکردگان من باید در مقابل این حملات دست‌بسته بایستند؟

من اظهار نمودم اگر اعلیحضرت شاه بیان بفرمایند که در يك مدت معینی متارکه جنگ را رعایت نموده و در عوض آن مدت بگذارند آذوقه وارد شهر بشود من و همکار روسیم به قنسولهای خودمان تعلیمات خواهیم داد که برای جلوگیری از حملات ملیون نفوذ کامل خود را اعمال بدارند.

شاه فرمودند که از تبریز نماینده‌ها به باسمنج اعزام گردیده که در شرایط صلح با من مذاکره بنمایند. اهالی تبریز برای تسلیم شدن حاضرند ولی با وجود همه اینها مثل اینکه متمردين تحت السلاح از اهالی آرام که با آنها من هیچ خاصه‌ای ندارم مجزا باشند. حمله جازمی به قشون من نبرده‌اند. باین تفصیل آیا باید من اجازه دخول آذوقه به شهر را بدهم؟

من مجدداً برای در معرض مخاطره و خیمه بودن قنسولهای ما و اتباع خارجه که يك مسئله‌ای است که اقدام فوری لازم دارد به‌اعلیحضرت معظم اصرار نمودم. اگر چنانچه يك آسیب قطعی بایستی رفع بشود هر يك دقیقه حاوی اهمیت است. مسیو سبلین [= سابلین] هم در این تمنای آرزومندان بامن هم‌آواز شد.

اعلیحضرت شاه جواب دادند نه ماه است من جدوجهد نموده‌ام که به متمردين تبریز استیلا حاصل نمایم و برای انجام این مقصود من شهر را محاصره نموده و دخول آذوقه را قطع نموده‌ام. حالا آنها در تضمین و فشار کامل گرفتار شده‌اند. آیا باید در همچو موقعی من بگذارم آذوقه داخل شهر بشود و تمام زحماتی که قشون من کشیده‌اند بهدر برود؟ من در جواب عرض کردم که این استدعا را فقط از آن اعلیحضرت می‌نمایم که وعده متارکه جنگ و اجازه دخول يك محدودی آذوقه به شهر را بدهند برای اینکه به هر صورت باعث رفع خطر قریب‌الوقوع قنسولهای ما و اتباع خارجه خواهد شد.

اعلیحضرت شاه جواب دادند که نمی‌دانم چرا قنسولها و اتباع خارجه از شهر خارج نمی‌شوند و در مقابل این بیان مسیو سبلین [= سابلین] و من جواب دادیم که نظر به مقتضیات، يك همچو روشی بکلی خارج از موضوع است. همکار روسی من نیز اظهار داشت:

«قنسولهای ما نمی‌توانند از اتباع خارجه در تبریز مفارقت بجویند. منافع مشرف به خطر خیلی زیادند و اتباع کثیره روس که در شهرند نمی‌توانند خارج بشوند. آنها باید ملاحظه فامیل و اموال خود را هم داشته باشند. اگر ما تصور می‌کردیم که آن اعلیحضرت می‌توانند آنها را حفظ بنمایند استدعای حراست آنها را می‌نمودیم ولی اعلیحضرت شاه نمی‌توانند. لهذا ما باید به‌اعلیحضرت شاه اصرار بنماییم که با اظهارات ما موافقت بنمایند. مستر میلر که معروف حضور اعلیحضرت است به من تلگراف نموده که خطر مهاجمه قریب‌الوقوع است و بیم آن است که هرآن واقع بشود. علی‌هذا من درباب لزوم اقدام فوری نمی‌توانم به حد کفایت به‌اعلیحضرت اصرار بنمایم ولی حتی باید این را هم اضافه بنمایم که مملکت مشرف به خطر است.»

همچو ظاهر گشت که این استدعا بر اعلیحضرت شاه خیلی مؤثر واقع شده و بعد از قدری مذاکره دیگر موافقت نمودند به عین‌الدوله تلگراف کنند که تا شش روز دست از جنگ بکشد (یعنی تا ظهر روز دوشنبه ۲۶ آوریل) و در عرض این مدت مقدار آذوقه‌ای که تخمیناً برای آن مدت لازم خواهد بود داخل شهر بشود مشروط بر اینکه در این هنگام به قشون شاه‌پرستان حمله برده نشود.

من و مسیو سبلین [= سابلین] هم از این طرف تعهد نمودیم به جنرال قنسولهای

خودمان تعلیمات بدهیم که این شرایط را به میلیون تبلیغ نموده و نفوذ کامل خود را در جلوگیری از تجدید مجادله آنها بکار برند.

در طی شرفیابی خودمان که سه ربع ساعت طول کشید و وزیر امور خارجه هم حضور داشت ما به اعلیحضرت شاه اطلاع دادیم که قصد داریم روز بعد هم مجدداً بار یافته و بموجب تعلیمات رسمی دولتین متبوعتین خودمان اظهارات کلی مبسوط تری بنماییم. پس از مراجعت به سفارت پیغامی بتوسط وزیر امور خارجه از طرف شاه به من رسیده تلگراف ذیل را که تازه از عین الدوله رسیده بود تبلیغ نموده:

«متمردین فقط می خواهند فرصت بدست بیاورند چون آنها منتظر يك قشون امدادی از ارومیه و سلماس هستند که به سردار نصرت حمله خواهند برد. بمپیچوجه محل شبیه نیست که دو عراده توپ از ارومیه به سلماس رسیده است.»

مقصود شاه این بود که مفهوم بدارد که اگر این استعداد به قشون او حمله ببرند شرط متارکه جنگ خاتمه خواهد پذیرفت. من جواب دادم در این نکته موافقت دارم و پس از آن همکار روسی من هم مینطور جواب داده بود.

ما در موضوع فوق به جنرال قنسولهای انگلیس و روس تعلیمات متحدالمالی داده ایم و همچو می نماید که عجالاً مخاطره مرتفع شده.

امضا ج. بارکلی

### ملفوفه در نمره ۲۸۲

مراسله ای که ترجمه آن برای اعلیحضرت شاه ایران قرائت شده وضع اتباع خارجه در تبریز اقصی درجه وخامت را دارا است. ظاهراً قحط و غلای آذوقه به حدی در شهر احاطه دارد که اهالی قرین یأس و حرمانند و دلیل دارد خوف آن باشد که مهاجم به جنرال قنسولگریهای روس و انگلیس برای تحصیل آذوقه تحت نظر است.

نظر به این مقتضیات نمایندگان دولتین انگلیس و روس مجبورند خاطر نشان اعلیحضرت شاه بنمایند که برای هر صدمه و ضرری که به جنرال قنسولگریها و اتباع خارجه مقیمین تبریز وارد بیاید دولتین شخص اعلیحضرت را مسئول خواهند دانست.

ما امروز شرفیابی حاصل نموده ایم برای اینکه یگانه طریق جلوگیری از بلوای رقت انگیزی را که تهدید می نماید به اعلیحضرت عرضه بداریم و نظر به اینکه محافظت اتباع ما در تبریز برای دولت اعلیحضرت شاه غیر مقدور است ما مجبوریم که در لزوم فوری آسایش اهالی شهر بوسیله متارکه جنگ و اقدامات لازمه سریعه در دخول آذوقه برای مردم قحطی زده اصرار بنماییم.

### نمره - ۲۸۳

مکتوب سرچارچ بارکلی به سرادواردگری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[ ۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷ ]

آقا

با کمال افتخار خلاصه وقایع ماهیانه ایران اتفاقیه در عرض چهار هفته ماضی را لفاً ارسال می‌دارم.

امضا ج. بارکلی

### ملفوفه در نمره ۲۸۳ خلاصه ماهانه

#### طهران

وضع پلتیکی طهران در عرض چهار هفته ماضی بی‌تغییر بوده.

در ۲۷ مارس [ ۷ فروردین؛ ۵ ع ۱ ] صنیع‌الدوله رئیس اولی مجلس سابق باتفاق بعضی اقربای خود به‌عنوان اینکه جانش در خطر است به‌سفارت اعلیحضرتی انگلیس پناهنده شد. آنها اظهار داشتند که قصد عزیمت به اروپا دارند و شاه هم اجازه این امر را به آنها داده‌اند. فعلاً همه آنها از سفارت خارج شده‌اند و بعضی از آنها واقعاً از طهران حرکت نموده‌اند ولی صنیع‌الدوله هنوز در منزل خود مانده است.

چند روز بعد یکی از وعاظ معروف اعتمادالذاکرین نام با یک زخم گلوله‌ای که در بازوی خود داشت و در شب ۲۳ مارس [ ۲ فروردین؛ ۲۹ صفر ] که چندین نفر در شاه‌عبدالعظیم مقتول شده بودند از آنجا گریخته بود در سفارت متحصن گردید. مشارالیه هنوز در سفارت است.

در عرض ماه مسیو بارانوسکی ترجمان سفارت روس که به مرخصی رفته بود مراجعت نموده و شرفیابی خصوصی به‌حضور شاه داشت که بیش از دو ساعت طول کشید و در ضمن تشرف او اعلیحضرت شاه نیت خود را در اعاده حکومت شوروی اظهار فرموده بودند.

وزیر مختار دولت فخمه انگلیس و مسیو سبلین [ = سابلین ] در ۲۰ و ۲۲ آوریل [ ۳۱ فروردین و ۲ اردیبهشت؛ ۲۹ ع ۱ و یکم ع ۲ ] به‌حضور شاه بار یافتند.

۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[ ۲ اردیبهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷ ]

امضا ج. پ. چرچیل

#### رشت

شهر آرام مانده و نظم مستقر بوده. مذکور است که یک استعدادی از ملیون در تحت سرکردگی سپهدار در شرف حرکت بطرف طهران هستند. تردد در راه طهران بدون اختلال باقی مانده.

## استرآباد

ظاهراً طایفه جعفریای ترکمان در چندی قبل به شاه تلگراف نمودند که طرفدار او هستند و اگر شاه فرماندهی برای آنها بفرستد ملیون را متفرق خواهند نمود. ملیون شخص حاجی رحیمخان نام را فرستادند که رؤسای ترکمان را جمع نموده و از آنها تقاضا بنماید که برای همراهی با مرام ملیون قسم یاد بنمایند. تراکمه او را بقتل رسانیده و اموال او را غارت نموده و پنجهزار حشم به غنیمت بردند. ملیون بالاخره نعش او را کشف نموده و با تجلیل و تشییع کاملی مدفون نمودند.

در ۲۷ مارس [۷ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۶۵ - ۱۳۲۷] قریب بیست نفر از ملیون وارد بندر جز [گز] شده و تلگرافخانه و گمرک را تصرف نمودند.

در ۲۸ مارس قریب سه هزار نفر مردم با بیرق سرخ بیرون رفتند که ملیون را به شهر استرآباد ورود دهند و آنها را با فریادهای «زنده باد مشروطه» و «پست باد محمدعلی» داخل نمودند. اول آوریل [۱۲ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۰ ع ۱۳۲۷] قریب بیست نفر از ملیون کارگزار را که مظنون به معیت قنسول روس در رفتن به اردوی ترکمان جعفریای که برای بهم زدن انجمن ولایتی آنها را متقاعد بنمایند بود دستگیر نمودند. پس از آن بواسطه مداخله قنسول روس کارگزار مستخلص شد. اخبار اخیره این است که ترکمانهایی که از طرف شاه کار می کنند شهر را محاصره نموده اند. جنگ در کار شروع شدن است و قنسول روس تقاضای اعزام قشون به استرآباد را نموده است.

## مشهد

در ۷ آوریل [۱۸ فروردین؛ ۱۶ ع ۱۳۲۷] بواسطه انداختن بمب در خانه پسر برادر ایالت جدید که موقتاً به ریاست قشون منصوب بود اغتشاش بروز نمود. پس از آن دسته ضدحکومت تلگرافخانه را تصرف نمودند ولی تعرضی نسبت به تلگرافچیان اروپایی ننمودند. برای حفظ ارگ توپها رسم شد و تمام سرباز از شهر برداشته شد در صورتی که بعضی از آنها خلع سلاح شده بودند. در هشتم هیجان شدیدی منبسط گردید و آراء بر این تعلق گرفته بود که به ارگ یورش برده شود ولی صورت وقوع حاصل ننمود. انجمن ایالتی مجدداً تأسیس شد و تلگرافات مبنی بر اعلان تشکیل آن به تمام نقاط ایران مخابره گردید. [در] نهم نایب الحکومه را انجمن ایالتی دستگیر و توقیف نمود ولی بعد از دو روز پس از یاد نمودن قسم برای اتحاد با آن هیئت مستخلص شد. در بین يك هفته پس از آن تاریخ پول زیادی دریافت شد ولی این باعث منقسم شدن انجمن به پارتی های مختلف گردید و اعمال متحده را غیرممکن نمود. انجمن ایالتی مراسله به هر دو قنسولگریها نوشت مبنی بر این خواهش که به اتباع خودشان اخطار بنمایند که داخل در این مخاصمه نشوند. به اضافه جازماً تصمیم شده بود که از هر دو قنسولگریها تقاضا بشود که از شهر خارج بشوند برای اینکه انجمن مطلق العنان بشود چونکه بواسطه قرب جوار خودشان به ارگ و ذخیره مسلماً با مجادله در حول و حوش خود مخالفت می نمودند و این بالذات باعث صلح و مسالمت می شد. ایالت جدید

از راه مشهد هنوز در نیشابور اقامت دارد.

#### تربت حیدری

در اوایل مارس اعدال الدوله از حکومت تربت معزول شد. شب چهاردهم مارس [۲۳ اسفند؛ ۲۰ صفر] یاور اسدالله به سرکردگی دویست نفر بلوچی مکمل و مسلح وارد تربت شده شهر را تصرف نمود و در دارالحکومه رحل اقامت انداخت. مشارالیه نایب‌الحکومه را که یکی از دشمنان قدیمش بود به قتل رسانید. شهر به حالت آرامی باقی ماند و سالارخان که سررشته امور را از طرف یاور در کف گرفته اعلان ذیل را توزیع نمود:

«ما مشروطه خواهیم و فقط صلح و آسایش عموم را طالبیم. به اتباع خارجه و سایرین اطلاع داده شد که جان و مال آنها محفوظ و محترم خواهد بود. به همه اخطار می شود که بعد از غروب آفتاب هیچکس نباید از خانه خود خارج بشود.»  
يك مفتشی در پستخانه و تلگرافخانه دایر گردید ولی هیچ مداخله‌ای در مکتوبات انگلیس و روس نشد. مردم از این تغییر وضعی که حاصل شده ظاهراً کمال رضایت را دارند.

#### کرمان

در ۷ آوریل [۱۸ فروردین؛ ۱۶ع] قنصل انگلیس تلگراف نمود که به استثنای راه مشهد سایر طرق به کرمان در دست سارقین است. پست پنج هفته را جلو بسته‌اند و نرخ ارزاق خیلی ترقی نموده. در سیزدهم، او تلگراف نمود که جماعت گرسنه در دکاکین خبازی ازدحام و هجوم می‌نمایند و نان کمیاب است و هیچ قوائی در شهر نیست. در شانزدهم او راپورت داد که حاجی نایب به کلانتری شهر برقرار شده و اقدامات مجدانه نموده و نتیجه آن اینکه وضع شهر بهتر است.

#### یزد

صمصام‌السلطنه بختیاری به نائین تلگراف نموده که از قرار مسموع شهر در حالت اغتشاش و بی‌نظمی است و به اهالی نصیحت نموده که سکون و آرامی اختیار نمایند والا ناچار خواهد بود برای اعاده نظم و تمشیت سوار بفرستد. در خاتمه تلگراف استعلام نموده است چه موقعی مقتضی است که سوار برای دریافت قسط اول مالیات سنه آتیه بیاید. هیچ جوابی در مقابل این تلگراف داده نشد.

در اواخر مارس اغلب روستاییان پارسی به قراء خود معاودت نموده بودند ولی هیچ اقدامی در استرداد اموال آنها بعمل نیامد و برعکس مذکور شد که دستجات کوچک مسلمانان هنوز مخفیانه از آنها پول می‌گیرند.

در وضع کلی دهات اطراف یزد هیچ بهبودی ظاهر نیست حرکت پست بی‌ترتیب شده هیچ جاده‌ای خالی از سارقین نیست. در راه نائین که بالنسبه تا يك مدتی امنیت

برقرار بود نامنی عودت نموده. بالاخره برای اروپائیان مقیم یزد تهیه قراول شده ولی محل شبیه است که در صورت مرتب‌تر از دسته سابق نرسیدن حقوق [در صورتی که باین گروه مرتب‌تر از گذشته حقوق پرداخت نشود] بقای اینها بیش از دستجات سابق طولی خواهد کشید یا خیر.

### کرمان

انقلاب شدیدی در ۲۷ مارس [۷ فروردین؛ ۵ ع ۱] واقع شد. در ۲۵ يك يهودی جوراب فروشی که تازه مسیحی شده بود پسر سیدی را که شاگرد او بود کتک زده. پسر به منزل خود رفته شام خورده براحتی خوابیده ولی روز بعد چندین مرتبه ضعف نموده و پس از آن فوت شده. طبیب مریضخانه که جنب قنسولگری انگلیس ساکن است به عیادت آن طفل رفته و به برادر او گفته بود که به عقیده من فوت این پسر هیچ ربطی به کتک خوردن او ندارد. دو نفر طبیب ایرانی هم به عیادت او رفتند. برادر طفل شکایتی ننمود ولی جوراب‌فروش مزبور دستگیر شد و چند نفر سید که به شناخت عمل معروفند از تدفین جنازه جلوگیری نمودند برای اینکه آن را در شهر بگردانند و آتش غضب مردم را بر علیه یهودیان مشتعل بدارند. پیغامی که در باب احتمال غارت شدن محله یهودیان به قنسول انگلیس فرستاده شده بود متأسفانه به او نرسید. روز بعد يك نفر از سادات نزد حاکم رفته و به تهدید تولید بلوا تقاضای قتل سریع یهودی جدید العیسوی را نمود. سادات چندین نفر از علمای معروف را هم مجبور نمودند که با تقاضای آنها تقویت بنمایند. حاکم بواسطه خوف از وقوع بلوای مذهبی و به امید خاتمه دادن مسئله، بدون تحقیقات زیادتری امر به قتل آئی آن یهودی نمود. آن مرد بدبخت بی‌گناه مقتول گردید و فوراً شروع به غارت محله یهودیان شد. در صورتیکه به حکومت اخطار شد، هیچ اقدامی در جلوگیری از این چپاول که سربازهای خودش هم در آن شرکت داشتند ننمود. به هرجهت بعد از رسیدن پیغام کاپیتان هاورت و قنسول روس او قدرتی بروز داد و از وارد شدن آسیب و ضرری به مدرسه آلیانس اسرائیلی جلوگیری نمود. مختصراً هر چه در مهم‌ترین نقاط محله مزبور بود بکلی غارت شد، حتی در و پنجره‌ها را کنده و به یغما بردند. يك نفر از یهودیان تبعه انگلیس که بکلی خانه او غارت شده بود ولی مستحفظین کاپیتان هاورت بموقع به او رسیده و او و فامیلش را نجات داده به قنسولگری بردند. هیچ يك از یهودیان آنجا بقتل نرسیدند ولی بسیاری از آنها که مجروح شده بودند مردند. ضعف حکومت و فقدان قشون سبب این اغتشاش بود. سرباز و توپچی او در جزو غارتگران آشکارا مرئی بودند. وقتی که به قراولهای مریضخانه ما ایراد شده بود که چرا شرکت در غارت نموده‌اند جواب داده بودند که حسب الامر حکومت بوده. کاپیتان هاورت به وزیر مختار انگلیس تلگراف کرده و تقاضای عزل حاکم را نموده بود. بعد از این غارت علمای معروف از مخالف بودن با این امر مذاکره سخت می‌نمودند و کلیه مسئولیت آن را از عهده خود ساقط می‌نمودند و حکومت عمل پیدا نمودن اموال منهبوبه و استرداد آنها به یهودیان را به مشارالیمم محول نمود. يك مقدار



قابلی از اموال مسترد شده. کاپیتان هاورت راپورت می‌دهد که از همدردی و مساعدت عملی که مسلمانان در تغذیه و ملبس نمودن یهودیان مشهود می‌دارند خیلی تعجب است. مشارالیه نیز اشعار می‌دارد که بعضی از مسلمانان حق حیات به‌گردن بسیاری از یهودیان دارند چون در بعضی مواقع به‌قوة قهریه سایر یهودیان را مجبور نمودند که آنها را به‌منزل خود آنها ببرند و مراقب آنها باشند. آشکارا اذعان دارند که یهود جدیدالعیسوی بی‌گناه بوده و شاگرد او به‌مرگ طبیعی مرده است: ظهیرالملک حاکم شخصاً تصدیق دارد که شخص مقتول بی‌گناه بوده و می‌گوید برای جلوگیری از اغتشاش من او را به‌قتل رسانیدم.

در ۷ آوریل [۱۸ فروردین؛ ۱۶ ع ۱] شهرت یافت که حمله دیگری به یهودیان برده خواهد شد و این دفعه حمله به‌جان آنها خواهد بود نه به اموالشان. يك عده کثیری از یهودیان معتبر کرمانشاه بآبی‌اند و يك قطعه عکس باب که در جزو اموال غارتی دیده شده بود ظاهراً باعث خشم و تهییج بعضی از الواط بازار گردیده. تمام یهودیانی که تبعه عثمانی بودند در شهرداری عثمانی پناهنده شدند و یهودیان معتبر ایران در قنسولگری ما. کاپیتان هاورت و شهیندر عثمانی ضمانت‌نامه کتبی برای تأمین محله یهودیان از حاکم مأخوذ داشتند و در همان شب استعداد کاملی از سرباز و تفنگچی در آنجا به‌قراولی گماشته شد. هنگامی که کاپیتان هاورت برای ترتیبات حرکت مستحفظین به‌منزل‌هایشان با کارگزار مشغول مذاکره بود مجتهد اعلم مسلمانان پیغام فرستاده که او از آنها توجه خواهد نمود. چون آنها مایل بودند کاپیتان هاورت آنها را نزد معزالیه فرستاد و او بتوسط مستحفظ آنها را سلامت به‌منزل‌هایشان رسانید.

در اوایل آوریل، مظنون شد که مجتهد عمده مسلمانان می‌خواهد الحاق کرمانشاه به جنبش ملی را اعلام بدارد ولی تا حال این اقدام اعمال نگردیده. در همدان جنبش ملی با ورود نایب‌الحکومه جدید باتفاق قشون تصادف نمود ولی محتمل است جنبش مزبور مجدداً شروع بشود.

داودخان، رئیس کلهر، با شیرخان، رئیس سابق سنجایی، عقد اتحادی بسته و برای منصوب نمودن او به‌مقام سابق موافقت کرده. علی‌الظاهر حبیب‌الله خان که فعلاً حاکم قصرشیرین است ناچار به‌تخلیه این مقام و ریاست ایل مزبور خواهد شد. چنانچه ملاحظه می‌شود داودخان عملاً حاکم قصر را بدون مراجعه به‌اراده حکومت مافوق معزول و منصوب می‌نماید و بهمچنین امر می‌کند که کی باید رئیس سنجایی بشود.

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

شیراز

در عرض نیمه اول مارس [۱۵ - ۱ اسفند؛ ۲۷ محرم تا ۱۲ صفر] هیجان مشروطیت امتداد داشت و ایالت مسلك بی‌اقدامی استادانه خود را تعقیب نمود. در ۲۴ [۴ فروردین؛ ۱۶ ع ۲] يك مجمع مهمی تشکیل یافت و نصرالدوله و عطاءالدوله و وزیر

ایالت و نماینده‌های عدیده تمام طبقات در آن حضور داشتند. آغاز سخن نطق علم‌الهدا در تصویب اتحاد مشروطه بود. همه حضار مشروطیت را تحسین نمودند. متعاقب آن مذاکره بسیار شد و در طی آن رأی قطعی بر این‌علاقه گرفت که روز بعد حکومت شوروی در فارس تأسیس بشود و رسول نزد شیخ‌ذکریا [= زکریا] و سید عبدالحسین اعزام بشود که آنها را به سکون و آرامی متقاعد بنماید و بهمینین نزد صولت‌الدوله فرستاده بشود که او نیز مشروطه را تأیید نماید. به‌اضافه تلگرافات مبنی به اعلان تجدید مشروطیت در شیراز به تمام نقاط ایران مخایره شود. اولین نتیجه این اجلاس رفتن معین‌الاسلام یکی از متمدن‌ترین اعضای دسته ملی صبح روز بعد بود به قنسولگری. مشارالیه از مستر بیل خواهش نمود که هرچه می‌گویم بنویسند و بیانات ذیل را نمود:

«چندی است که جنبش ملی در جریان است ولی بواسطه لزوم جلب موافقت قوامیه‌ها و غیره در تعقیب مذاکراتی که با آنها در میان بود به‌عمده تأخیر گذاشته شده بود. فعلاً تمام فرق در مقصود این جنبش متفقند و آن حقوق ملی است که مشروطه تعیین نموده و شاه برای آن قسم یاد نموده. اولیاء قوم همه «تجددخواه تندرو» بودند ولی سایرین به انضمام ایالت همه‌اکنون متحد شده‌اند.»

در طی اجلاسی که در روز ۲۴ [۴ فروردین؛ ۲ ع ۱] منعقد گردید قرار بر این شد پنجاه نفر انتخاب بشوند به انضمام اعضای انجمن ایالتی سابق که عصر روز ۲۶ در عمارتی که سابقاً برای انجمن ایالتی تعیین شده بود اجلاس بنمایند. جلسه مزبور را بایستی ایالت به اتفاق میرزا ابراهیم افتتاح بنمایند. غرض تمام فرق تکمیل روابط و داد ممالک خارجه است خصوصاً دولتین همجوار و بالاخصاص دولت انگلیس که مملکت پارلمانی است.

متأسفانه این پرگرام چندان پیشرفتی ننموده. پنجاه نفر اعضای چنانچه تصمیم شده بود اجلاس نمودند ولی نه در تحت ریاست ایالت. در ۲۴، ایالت تلگراف معذرت‌آمیزی به صدراعظم مخایره نمود مبنی بر اینکه اجلاسی از تمام اعیان شیراز منعقد گردیده و رأی قطعی داده‌اند که انجمن ایالتی تشکیل بشود و او چاره‌ای ندارد.

ظاهراً جواب مستقیمی به این تلگراف داده نشد ولی در ۲۶ تلگرافی از طرف صدراعظم به ایالت و قوام‌الملک و نصیر‌الملک و سایر اعیان مخایره گردیده و به آنها اطمینان داده شده که همه امورات اصلاح خواهد شد و قشون در صدد حرکت بطرف اصفهان است. حسب‌المقرر در ۲۵ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۰ انجمن در یکی از عمارات حکومتی در تحت ریاست وزیر ایالت منعقد گردید. در جلسات مزبوره ظاهراً مذاکرات بسیار بمیان آمده و بالاخره رأی قطعی از قرار ذیل علاقه گرفته:

(۱) نظامات داخلی. انجمن در هفته سه روز و هرروز سه ساعت منعقد بگردد. هیچیک از اعضاء کسی را همراه نیاورند و مذاکرات ساده و بدون القاب و عنوان باشد.

(۲) تلگرافات به تبریز و اصفهان و نجف مخایره شود.

(۳) رسول نزد سید عبدالحسین و شیخ ذکریا [= زکریا] و صولت‌الدوله اعزام بگردد. مقصود اینکه حالا که مرام ملی موفقیت حاصل نموده شیخ به‌لار معاودت نماید و صولت‌الدوله هم تعقیب بشود که استقرار نظم در راه بوشهر را از طریق کازرون یا از طریق فیروزآباد هر کدام را که خودش مرجح می‌داند عهده‌دار شود و از معزی‌الیه دعوت بشود که برای شور با هم‌مسلمانان خود به شیراز بیاید.

(۴) راه اصفهان به نصرالدوله سپرده شود که به‌دست ایل خمسه تمشیت آن را عهده نماید.

(۵) تازمانی که با صولت‌الدوله قراری داده شود پنجاه نفر سوار برای قره‌سورانی راه بوشهر الی کازرون تعیین بگردد و مرکز آنها در خانه زینیان [خان‌زنیان] باشد.

(۶) عطاء‌الدوله اقدامات احتیاطی معمولی را در جلوگیری از بالا رفتن نرخ ارزاق بوسیله تنبیه نمودن اشخاصی که مأكولات را به‌خارج حمل بنمایند بعمل بیاورد. اگر چه انتخاب کمیسیونها خیلی موضوع بحث بوده ولی هنوز انتخاب نشده.

آصف‌الدوله به‌انجمن رفته و نطق مفصلی نمود مبنی بر اینکه در تمام این مدت باطناً با آنها همراه بوده به‌همه جهت مهم‌ترین وقایع آنهایی که در خارج مجمع مشاوره واقع شده ۳۱.

ظاهراً با وجود اتحاد آشکار ناامیدانه بین شیرازیه‌ها بیش از هر وقت نفاق موجود است و همچو می‌نماید که يك خطر واقعی در پیش باشد که نتیجه عاقبتی این نفاقها این بشود که شیخ ذکریا [= زکریا] که از طرف مشروطه‌خواهان تندرو دعوت شده بدون مجادله به‌شیراز بیاید فقط به‌این جهت که در صورتی که همه از او منزجر و مرعوب هستند نمی‌توانند به حد کفایت به‌یکدیگر اعتماد نموده متحد بشوند و به‌قوة قهریه با او مقاومت بنمایند.

در طی مراسله‌ای که مستر بیل در سوم آوریل [۱۴ فروردین؛ ۱۲ ع ۱] نوشته بود وضع شیراز را خیلی بد شرح داده بود. قدرت شاه مستهلك شده، گرچه موقتاً هم باشد، و به‌انجمن هم اعتمادی نیست. تمام کسانی که قنسول مزبور را ملاقات نموده‌اند سؤال کرده‌اند که عاقبت امر چه خواهد بود.

وضع طرق حقیقتاً خیلی بد است. هم در راه اصفهان هم در راه بوشهر اکثر پستها سرقت شده. در ۲۸ مارس [۸ فروردین؛ ۶ ع ۱] يك گاری پستی که مستر لینتن یکی از اجزاء انجمن دعوات مسیحی با آن مسافرت می‌نمود در حوالی ده‌بید سرقت شده. این سرقت اهمیت دارد چون حاکم بتوسط قنسول انگلیس تلگرافی به‌ده‌بید مخایره نموده و امر کرد يك عده کافی مستحفظ تهیه بشود و اقلاسه دسته استعداد که فرستاده شده بودند در باب سرقت وکیل کمپانی زیگلر تحقیقات بنمایند در جاده حاضر بودند برای اینکه بخوبی می‌توان گفت که زوال قوای مأمورین محلی نمایش داده بشود تمام جاده حتی تا خود اصفهان ظاهراً در دست دستجات غارتگران

ایلیاتی است که یا به قوافل حمله می‌برند یا قرام حوالی جاده را می‌چاپند. در يك مورد به يك قافله زوار حمله برده شد ولی چون عده زوار کثیر و مسلح بودند توانستند حمله را جواب داده و دو نفر از مهاجمین را مقتول بنمایند.

امضا      ث. ب. استکس ماژور اتاشه میلپتر

### نمره - ۲۸۴

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۱ - ۱۳۲۷]

آقا

بعد از شرحی که به تاریخ ۲۴ شهر ماضی [۴ فروردین؛ ۲ ع ۱] معروض داشته‌ام در عرض این ماه راپورت‌های تلگرافی عدیده‌ای واصله از جنرال قنسول انگلیس مقیم بوشهر را در باب بروزات وضع آن شهر از اثر اقدامات بعضی از ملیون و خصوصاً سید مرتضی اهرمی که سررشته اختیار حکومت آنجا را در دست گرفته خدمت جنابعالی تبلیغ نموده‌ام.

در حقیقت وضعیت و رفتار سید مرتضی مؤسس این جنبش بوده. واضح است که بدون پیشقدمی او و استعداد معتنابه تفنگچی که او توانسته تهیه بنماید برای دسته ملیون امکان نداشت که بتوانند به این سهولت به قوای شاه فائق بیایند گرچه در ابتدا سید مزبور با تهور بسیار اتحاد خود با مقصود ملیون را مشهور داشت ولی متزایداً مکشوف گردیده که کلیتاً اقدام او بیشتر به خیال نفع شخصی بوده نه از راه بی‌غرضی و عدم انتفاع. استعدادی که او داخل شهر نمود مرکب از ایلیاتیان ساکن در همان حوالی بودند که خود سید هم اهل همان‌جا است و اشکالی که در دوره استیلای سید بوقوع پیوسته بکلی مربوط به شرارت آنها بوده. چپو نمودن این اشخاص قسمتی از بازار را در ۷ شهر حال [۱۸ فروردین ۱۲۸۸؛ ۱۶ ع ۱ ۱۳۲۷] و خطرات مهمه ناشی از تجاوزات دیگر آنها باعث لزوم پیاده نمودن قشون از کشتی جنگی اعلیحضرتی موسوم به «فاکس» که تازگی به بوشهر اعزام شده بود گردید.

نظم عمومی بخوبی مستقر گردید ولی امتداد حضور تفنگچیان که سید از اخراج آنها امتناع دارد اهالی را به حالت مرعوبیت دائمی نگاهداشته. فعلاً ملیون در طرد نمودن سید متفق العقیده هستند ولی آنها نمی‌توانند او را از شهر تبعید بنمایند چون میل دارند بدون تقویت دیگری این امر را اعمال بدارند. در خصوص عایدات گمرک سید پس از موافقت به این قرار داد که بعد از وضع يك مبلغ معینی برای مصارف جاریه ملیون بقیه نزد سه نفر تجار ایرانی به رسم امانت سپرده شود در سلب تدین این سه نفر موفق شده و تمام مبلغی که امانت بود متصرف شد. به همه جهت او بیست هزار تومان از پول گمرک را دریافت داشته است.

ترتیب کنونی این است که تا زمانی که يك قرارداد رضایت‌بخش کاملی با اولیای ملیون مسؤلی داده نشده عایدات باید در گمرکخانه در تصرف مأمورین بلژیکی بماند و من به‌ماژور کاکس اختیار داده‌ام که سربازان بحری را در گمرک بگمارد برای اینکه اگر باز سید مزبور بخواهد عایدات را اخذ بنماید ممانعت بنمایند.

امضا ج. بارکلی

### نمره - ۲۸۵

مکتوب سر جارج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۲۲ آوریل ۱۹۰۹

[۲ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ یکم ع ۲ - ۱۳۲۷]

آقا

امروز صبح من و همکار روسیم باتفاق ترجمانهای خودمان به‌حضور اعلیحضرت شاه بار یافتیم و من شرح بیان نامه‌ای را که سواد آن را مفتخرأ در جوف تقدیم می‌دارم برای آن اعلیحضرت قرائت نمودم.

اعلیحضرت معظم که با کمال دقت ترجمه آن را که مستر چرچیل شرح می‌داد اصفاء می‌فرمودند و حتی يك عبارتی را که بدو درست ملتفت نشدند تقاضای تجدید بیان آن را نمودند از قرار ذیل جواب دادند:

«واضح است که دولتین انگلیس و روس نظر به‌اینکه دول هم‌جوار و کامل الودادی هستند در ترقی ایران دقایق عمیقه دارند لهذا اظهاراتی را که الحال به‌من نموده‌اند من با کمال مسرت دریافت نموده و پس از مشورت دراین موضوع بتوسط وزیر امور خارجه جواب خواهم داد.»

من استفسار نمودم چه وقت ما باید منتظر وصول جواب از طرف آن اعلیحضرت باشیم و شاه جواب دادند که خیلی زود جواب داده خواهد شد. پس از آن ما مرخصی حاصل نمودیم.

امضا ج. بارکلی

### ملفوفه در نمره ۲۸۵

مراسله‌ای که ترجمه آن برای اعلیحضرت شاه ایران قرائت شده قریب چهار ماه است که نمایندگان دولت اعلیحضرتی انگلیس و دولت اعلیحضرت امپراطوری متفقاً به اعلیحضرت شاه صلاح‌اندیشی نمودند که مواعیدی را که مکرر به‌ملت خود و نمایندگان دولتین برای تجدید تأسیس حکومت شوروی در ایران داده‌اند ایفاء بنمایند.

بدبختانه برای خود آن اعلیحضرت و مملکت مفلوکش و نیز متأسفانه برای منافع دولتین انگلیس و روس، اعلیحضرت شاه در نقض این مواعید و در پیروی تعلیمات

مشاورین مرتجع و مخالف با صلاح‌اندیشیهای معقول دولتین همجوار کامل‌الوداد اصرار نموده‌اند و نتیجه اینکه اوضاع از بد به بدتر تمایل جسته و فعلاً مشکل است که به کدام نقطه مملکت می‌توان اشاره نمود بجز پایتخت که در اینجا هم حکومت مرکزی چندان قدرتی ندارد. نه فقط تمام شهرهای عمده برعلیه [= علیه] اساس مرتجع حاضره کوس یاغیگری می‌زنند بلکه وضع هرج و مرج عمومی به حدی متسع شده که تقریباً چارناپذیر است و این وضع امور آنها [تنها] برای آن اعلیحضرت و ملتش وخیم نیست بلکه متضمن ضررهای بسیار برای اتباع دولتین همجوار است. هرگاه اعلیحضرت شاه صلاح‌اندیشی دوستانه دولتین همجوار را چهارماه قبل تعقیب نموده بودید وضع ایران یکلی برخلاف این ترتیب امور رقت‌انگیز امروزه که اسباب طعن و تمثیل بین ملل متمدنه عالم شده می‌بود. اگر اعلیحضرت شاه چهار ماه قبل به تعهدات خود ایفاء نموده بودند بلافاصله اصلاحی بین آن اعلیحضرت و ملتش ظاهر می‌گردید و نمی‌توان دلیلی برای تردید در این مسئله داشت که بفاصله قلیل مدتی مجاهدات متحده آن اعلیحضرت و حکومت شوروی ترقی شایانی در وضع کلی مملکت ایجاد می‌نمود. قصور ممتده اعلیحضرت در ایفاء تعهدات خودشان باعث تولید يك وضعی شده که اعاده نظم و تمشیت یکی از امورات بسیار مشکل خواهد بود. با وجود این نمایندگان دولتین را عقیده بر این است که دلیلی برای قرین یأس و حرمان شدن نیست در صورتی که آن اعلیحضرت بدون فوت وقت این روش حکومت رقت‌انگیز حاضره را که از زمان انهدام مجلس در تابستان ماضی اعلیحضرت برحسب صلاح‌اندیشی اشخاصی که دشمنی و معاندت با مملکت خود را به ثبوت رسانیده‌اند تعقیب فرموده‌اند ترك نمایند. ولی اگر آن اعلیحضرت ایفاء به مواعید خود را بیش از این به عهده تأخیر بیندازند آنوقت حقیقتاً امیدی باقی نخواهد ماند که اعلیحضرت بتوانند به مرتفع‌داشتن هرج و مرج متزایده نائل بگردند.

نظر به یقین داشتن در این مسئله است که دولتین همجوار که فقط آمال آنها این است که ایران از این بحران رقت‌انگیز کنونی نجات یافته و ملتی شود با سعادت و نیک بختی و استقلال تام و دارای حکومت صحیحی بعد از اعماق نظر دقیقانه در این اوضاع و پروزارت آتیه به نمایندگان خود تعلیمات داده‌اند که متفقاً به حضور اعلیحضرت شرفیابی حاصل نموده و از قرار ذیل به آن اعلیحضرت توصیه بنمایند. در ضمن معروض داشتن اظهارات ذیل نمایندگان از دول متبوعه خود دستور دارند که به آن اعلیحضرت اظهار قطعی بدارند که اگر اعلیحضرت تمام جزئیات پرگرامی را که دولتین الحال توصیه می‌نمایند قبول نکنند دولتین از صلاح‌اندیشی اختراز نموده و اعلیحضرت را به حال خود خواهند گذارد و اعلیحضرت شاه دیگر نمی‌توانند متکی به تقویت آنها بوده و انتظار مساعدتی از طرف دولتین یا نماینده‌های آنها داشته باشند.

ماده اول: مشیرالسلطنه و امیربهادر جنگ از مقام خود منفصل بشوند. امیر بهادر جنگ نه فقط باید از عضویت کابینه منفصل بشود بلکه از هر سمت دیگری هم که در دربار دارد.

ماده دوم: اعلیحضرت بعد از اجرای اصلاحات ذیل يك حكومت شوروی تأسیس بنمایند. ماده سوم: تشکیل کابینه‌ای که مرکب از اشخاص لایق معتمد باشد و بدون تأخیر اضافه شدن اشخاص متمدن از فرق مختلف به مجلس شورای مملکتی. مجلس شورای مملکتی قانون انتخابات جدیدی طرح و تهیه نمایند. اگر اعلیحضرت شاه اشخاصی برای کابینه و مجلس شورای مملکتی انتخاب بنمایند که محل اعتماد نباشند هیچ پولی به دولت ایران قرض داده نخواهد شد.

ماده چهارم: عفو عمومی فوراً اعلان و منتشر بگردد که شامل حال تمام اشخاصی باشد که بر علیه شاه تحت سلاح رفته‌اند و مرتکب ترمرد و تقصیر پلتيکی شده‌اند لیکن به استثنای کسانی که بصد قانون عمومی اقدام نموده و مرتکب خلاف و جنایات شده باشند. در باب اشخاصی که اخیراً ذکر شد و کسانی که اقدام به غارت و چپاول کرده‌اند دولت ایران باید تأمینات بدهند که آنها را در محکمه بیطرفی تحت محاکمه بیاورند.

ماده پنجم: فوراً موعدی برای انتخابات و انعقاد مجلس شورا معین بشود. این موعدهای معینه بدون تعویق به تمام مملکت اعلان بگردد.

ماده ششم: بمحض اینکه اعلیحضرت شاه اقدامات مذکوره در مواد ۱ الی ۵ را بعمل آوردند دولت روس اگر لازم بدانند بجهت مصارف فوری که برای اجرای اصلاحات لازم خواهد بود مبلغ یکصد هزار لیره به دولت ایران قرض خواهند داد. دولت انگلیس هم اگر لازم بدانند همینکه مجلس منتخبه این استقراض را تصویب نمودند يك همچه مبلغی به دولت ایران قرض خواهند داد. اگر من بعد لازم دیده شد که وسایل تسهیل يك استقراض بزرگتری برای ایران فراهم شود این فقط موکول به تأمینات مخصوصی است که بعدها موضوع بحث و تبادل نظریات بین دولتین و دولت ایران بگردد.

کابینه لندن و کابینه سن پترزبورغ برای میل صمیمی که به تقویت دولت ایران در موقعی که از بحران بسیار وخیمی می‌گذرد دارند موافقت نموده‌اند که این پرگرام متضمن صلاح‌اندیشی دوستانه را به اعلیحضرت شاه پیشنهاد بنمایند و دولتین را عقیده بر این است که تنها وسیله نجات ایران از وضع تقریباً چاره‌ناپذیر کنونی اجرای پرگرام مزبور است.

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

نمره - ۲۸۶

تلگراف سرادواری به سرجارج بارکلی

از وزارت خارجه، ۱۰ مه ۱۹۰۹

[۲۰ اردی‌بهشت ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۲۷ - ۱۳۲۷]

اظهارات انگلیس و روس به شاه

رجوع به تلگراف هفتم شهر جاری شما

اگر حالا ملیون به تمکین با تانی شاه اقناع نمی‌شوند ما نمی‌توانیم بهیچوجه مسئول

باشیم.

درهمچو صورتی روش شما باید قطعاً بی طرفانه باشد و از هر اقدامی که به مداخله تعبیر بشود باید احتراز بجویید.

## نمره - ۲۸۷

تلگراف سرچارچ بارکلی به سر ادواردگری (واصله در ۱۰ مه)

از طهران، ۱۰ مه ۱۹۰۹

[۱۰ اردی بهشت ۱۲۸۸؛ ۱۹ ع ۲ - ۱۳۲۷]

شاه امروز دستخطی صادر کرده و امر نموده است که «بموجب قانون اساسی (مشروطه) بدون هیچ تغییر و تبدیلی» یک عده اشخاص عالم مشروطه خواه که محل وثوق دولت و ملت باشند به مجلس شورای مملکتی ملحق بشوند و فوراً قانون انتخاباتی طرح و مسوده بنمایند. انتخابات بلافاصله بعد از خاتمه پذیرفتن این قانون که بدون تأخیر طرح و وضع خواهد شد شروع می شود. وقتی که دو ثلث از مبعوثین برای انعقاد حاضر بشوند مجلس شورای ملی در همان محل سابقه افتتاح خواهد شد.

شاه ارائه طریق ما را اختیار نموده و ما تصور می کنیم تا حدی که مقتضیات اجازه می دهد کابینه رضایت بخش است. تا زمان رجعت ناصرالملک سعدالدوله مقام ریاست وزراء را اشغال خواهد نمود.

عفو عمومی مقصرین پلتيکی به انضمام احضاریه تبعید شدگان در تحت دستخط علیجده ای اعلام گردید. ما به قنسولهای خودمان که در مراکز مختلفه طغیان و شورشند تعلیمات داده ایم که به ملیون خاطر نشان بنمایند که حالا وظیفه آنهاست که حتی القوه سعی بکنند که صلح و آشتی بین شاه و طبقه عامه ایجاد بشود.

حسب الامر بندگان حضرت مستطاب اشرف آقای حاج علیقلی خان

سردار اسعد دامت شوکته العالی به سعی و اهتمام اقل بندگان

جواد سامانی ملقب به معتمد همایون طبع و نشرش

انجام یافت.